

تدوین راهبردهای موثر در تحقق شهر مشارکت پذیر در شهرهای میانی ایران مطالعه موردی شهر بروجن

امیررضا تقوائی^۱✉ مسعود تقوائی^۱

۱. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، شهر اصفهان، ایران. رایانامه: ar.taghvaei@ui.ac.ir

<https://orcid.org/0009-0009-6265-074X>

۲. گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، شهر اصفهان، ایران. رایانامه:

m.taghvaei.geo@ui.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-4586-5972>

چکیده: شهرهای میانی با وجود نقش کلیدی در تعادل فضایی و توسعه ناحیه‌ای، با چالش‌های ساختاری و اجتماعی در تحقق مشارکت روبه‌رو هستند؛ حل این چالش‌ها نیازمند راهبردهایی است که پژوهش حاضر با مطالعه موردی بروجن به دنبال تدوین آنها برای تحقق شهر مشارکت‌پذیر می‌باشد. روش پژوهش حاضر توصیفی □ تحلیلی و پیمایشی است. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته با ۴۲ گویه و نمونه‌گیری تصادفی از ۳۹۵ شهروند (حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران) در ۱۱ محله جمع‌آوری شد. روایی محتوایی با شاخص‌های سی‌وی‌آر^۱ و سی‌وی‌آی^۲ و پایایی با آلفای کرونباخ (۰/۸۸) تأیید گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، ماتریس سوات^۳ و ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی^۴ انجام گرفت. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد چهار عامل «حکمرانی و اعتماد شهری»، «اقتصاد محلی و رفاه»، «سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی» و «پایداری محیط‌زیست و زیست‌پذیری» در مجموع ۹۱/۱ درصد از واریانس مشارکت‌پذیری را تبیین می‌کنند. تحلیل سوات آشکار ساخت که بروجن از سه قوت قوی (تعاملات اجتماعی، مشارکت داوطلبانه، حس مکان) و شش فرصت قوی برخوردار است، اما با پنج ضعف متوسط (زیرساخت، زباله، آب، اقتصاد محلی، پاسخگویی) و هشت تهدید متوسط (از جمله مهاجرت نخبگان به کلان‌شهرها، آلودگی فراشهری و

CVR^۱

CVI^۲

SWOT^۳

QSPM^۴

خشکسالی) مواجهه است که تمامی این عوامل بر نقش منطقه‌ای شهر تاثیر مستقیم دارند. اولویت‌بندی کیواس‌بی‌ام نشان داد که استراتژی «بانک اطلاعات داوطلبان فراشهری» با بالاترین امتیاز (۴/۱۱) بهترین بازده را دارد. در پایان، راهبردهای زمانی (ضربتی، میان‌مدت، بلندمدت) و مکانی (تفکیک محله‌های پیشرو، میانی و بحرانی) با نگاه به کارکرد منطقه‌ای بروجن (ارائه خدمات به نواحی پیرامونی، کاهش مهاجرت، تقویت بازارهای کشاورزی و کاهش آلودگی) ارائه شده است. این پژوهش برای نخستین بار در یک شهر میانی ایران، الگویی عملیاتی برای افزایش مشارکت‌پذیری با رویکرد توسعه ناحیه‌ای فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مشارکت‌پذیری، شهرهای میانی، توسعه ناحیه‌ای، تحلیل عاملی، راهبردهای عملیاتی، شهر بروجن.

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسئله: گذر از مدیریت سنتی و سلسله‌مراتبی به سوی شهر مشارکت‌پذیر، شهری که در آن شهروندان به جای تماشاگر، بازیگران اصلی تصمیم‌گیری‌های محله‌ای و شهری هستند، امروزه یکی از ضرورت‌های بنیادین برای توسعه پایدار به شمار می‌رود. اما رسیدن به چنین شهری در سطوح مختلف با موانعی ساختاری و چندلایه روبه‌روست. برای روشن شدن این مسئله، پژوهش حاضر موانع تحقق شهر مشارکت‌پذیر را در سه سطح جهانی، ملی و محلی دنبال می‌کند.

در سطح جهانی، یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه شکل‌گیری «شهر مشارکت‌پذیر» پدیده «تناقض مقیاس» است: سیاست‌های کلان و انتزاعی برنامه‌ریزی، با نیازهای عینی و روزمره جوامع محلی هماهنگی ندارند (مائو^۱ و همکاران، ۲۰۲۶: ۴۳). به عبارت دیگر، طرح‌هایی که در سطح ملی یا جهانی تدوین می‌شوند، اغلب از آنچه در یک محله خاص می‌گذرد، بی‌خبرند. افزون بر این، بسیاری از فرایندهایی که نام «مشارکت» بر خود می‌گیرند، در عمل به «مشارکت نمایشی» فروکاسته می‌شوند: بدون تغییر در سازوکارهای نهادینه‌شده قدرت، تنها ظاهری از شمول اجتماعی ساخته می‌شود و شهروندان همچنان در حاشیه می‌مانند (نویهاف^۲ و همکاران، ۲۰۲۳: ۳؛ آرنشتاین^۳، ۱۹۶۹: ۲۱۶). چنین

^۱ Mao

^۲ Neuhoff

^۳ Arnstein

وضعیتی، «مشارکت‌پذیری شهری» را به یک شعار خوش‌آیند اما بی‌محتوای اداری تبدیل می‌کند. زبان پیچیده برنامه‌ریزی شهری، نبود حمایت‌های مالی و نهادی کافی، و بی‌اعتمادی تاریخی نیز سبب شده بسیاری از شهروندان احساس کنند صدایشان به جایی نمی‌رسد (هافمن، ۲۰۲۲: ۲). با گسترش شهرهای هوشمند، چالش‌های تازه‌ای مانند شکاف دیجیتال و غلبه رویکردهای تکنوکراتیک بر نیازهای انسانی، فاصله میان شعار و واقعیت «شهر مشارکت‌پذیر» را بیشتر کرده‌اند (رسول‌زاده اقدام^۱ و همکاران، ۲۰۲۵: ۲؛ ماکالوسو^۲ و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۲).

جهان امروز با پدیده‌ای دوگانه در نظام سکونتگاهی روبه‌روست: از یک سو، رشد بی‌سابقه کلان‌شهرها و تمرکز روزافزون جمعیت و فعالیت در آنها؛ از سوی دیگر، آگاهی فزاینده از ناکارآمدی این الگوی متمرکز در پاسخ به نیازهای همه ساکنان سرزمین. پژوهش‌های نو نشان می‌دهد نزدیک به دو سوم جمعیت جهان در فاصله یک ساعت سفر تا شهری با جمعیت حداقل ۲۵۰ هزار نفر زندگی می‌کنند. جالب آنکه در بسیاری از مناطق، شهرهای کوچک‌تر و میانی نقشی اثرگذارتر از کلان‌شهرها در تأمین نیازهای روزمره مردم ایفا می‌کنند (کاتانو^۳ و همکاران، ۲۰۲۴: ۲). نکته قابل تأمل دیگر اینکه نزدیک به نیمی از این جمعیت به بیش از یک قطب شهری دسترسی دارند. در این میان، شهرهای میانی از جایگاهی ویژه برخوردارند: افرادی که در مجاورت شهرهای کوچک و روستاها زندگی می‌کنند، دو برابر بیشتر از کلان‌شهرها به شهرهای میانی دسترسی پیدا می‌کنند (کاتانو و همکاران، ۲۰۲۴: ۳). با این حال، با وجود این واقعیت جمعیتی^۴ کارکردی، نظام‌های برنامه‌ریزی در دهه‌های گذشته عمدتاً تحت سیطره «وسواس کلان‌شهری» بوده‌اند و شهرهای میانی غالباً در حاشیه توجهات نظری و عملی باقی مانده‌اند. این غفلت، به ویژه فرصت تحقق «شهر مشارکت‌پذیر» را در شهرهای میانی، که به دلیل مقیاس انسانی‌تر و پیوندهای اجتماعی نزدیک‌تر، بستر بالقوه مطلوب‌تری برای مشارکت دارند، به تأخیر انداخته است.

در سطح ملی ایران، موانع بر سر راه «شهر مشارکت‌پذیر» ریشه در ساختارهای تاریخی، سیاسی و اقتصاد کلان دارد. نظام اداری به شدت متمرکز و سلسله‌مراتبی است و این ویژگی از فرهنگ تاریخی

^۱ Rasoulzadeh Aghdam

^۲ Macaluso

^۳ Cattaneo

تأکید بر قدرت و اطاعت نشأت می‌گیرد. اتکای دیرینه دولت به درآمدهای نفتی نوعی استقلال مالی از جامعه ایجاد کرده است که به نوبه خود، انگیزه برای شفافیت را کاهش داده، پاسخگویی را تضعیف کرده و رویکرد بالا □ به پایین را بر شکل‌گیری نهادهای مدنی مستقل چیره ساخته است (قاسمی^۱، ۲۰۲۴: ۱۲۳). در چنین وضعیتی، تصمیم‌گیری‌ها اغلب آمرانه گرفته می‌شوند و مشارکت به تأییدیه‌های صوری تقلیل می‌یابد؛ در نتیجه، «مشارکت‌پذیری شهری» به یک مفهوم انتزاعی و دست‌نیافتنی تبدیل می‌شود. تجربیات گذشته، از جمله پروژه‌های کلان مسکن، نشان داده‌اند که نادیده گرفتن شبکه‌های اجتماعی، عادت‌واره‌های محلی و دانش بومی، به کاهش سرمایه اجتماعی و تنزل کیفیت زندگی می‌انجامد، یعنی دقیقاً همان پیامدی که با ایده مشارکت‌پذیری در تضاد است.

در سطح محلی و به طور مشخص در شهر بروجن، این چالش‌های ملی با شدتی مضاعف بروز یافته‌اند. در اینجا، تقابل میان رویکردهای مهندسی کلان و نیازهای بومی به بحرانی آشکار برای تحقق «شهر مشارکت‌پذیر» تبدیل شده است. یکی از چالش‌های اساسی، نبود استراتژی‌های مشارکتی برای بهره‌گیری از نظرات نخبگان و ساکنان بومی در برنامه‌ریزی اکوتوریسم است، این در حالی است که بروجن از پتانسیل‌های غنی اکولوژیک برخوردار است (محمودیان^۲ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۱). با این حال، تجربیات خردی مانند مشارکت مردم در طرح‌های مدیریت پسماند شهرداری یا فعالیت انجمن‌های حمایتی سالمندان، نشان می‌دهند که مشارکت می‌تواند هزینه‌های شهری را کاهش دهد و سلامت روان را ارتقا دهد، یعنی نشانه‌هایی از ظرفیت بالقوه برای حرکت به سوی «مشارکت‌پذیری» وجود دارد. اما فقدان رویکرد محله □ محور نهادینه‌شده و ساختار اداری توانمندساز، مانع از شکوفایی کامل این ظرفیت‌ها در بروجن شده است. از این رو، شناسایی این چالش‌های چندسطحی و طراحی راهکارهایی عملیاتی برای غلبه بر آنها، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی انکارناپذیر برای تبدیل بروجن به شهری است که در آن مردم واقعاً صاحب حرف و نقش باشند.

۲-۱- اهمیت و ضرورت:

^۱ Ghasemi
^۲ Mahmoudiyan

مشارکت‌پذیری در شهرهای میانی با عدالت فضایی، کارآمدی مدیریتی و تاب‌آوری منطقه‌ای گره خورده است. در برابر ناکارآمدی نظام‌های متمرکز، بازاندیشی در نقش این شهرها ضروری است و همکاران، ۲۰۲۶؛ بولای و کرن^۲، ۲۰۱۹). از جنبه برنامه‌ریزی، «تولید مشترک» و «شهرسازی تاکتیکی» راه‌حل‌های مکان‌مند ارائه می‌دهند (لی^۳ و همکاران، ۲۰۲۴؛ هافمن^۴، ۲۰۲۲). از منظر مدیریتی، تمرکززدایی زمینه‌ساز «قدرت شهروندی» (آرنشتاین^۵، ۱۹۶۹) و افزایش شفافیت است (سلیمان^۶ و همکاران، ۲۰۲۶). از دیدگاه اقتصادی، شهرهای میانی با نسبت هزینه به خدمات بهینه، ظرفیت بالایی دارند و «بودجه‌ریزی مشارکتی» تخصیص عادلانه منابع را ممکن می‌سازد (کاتانو^۷ و همکاران، ۲۰۲۴؛ علاء‌الدینی و حیدری قره‌بلاغ^۸، ۲۰۲۶).

از جنبه اجتماعی، پیوندهای نزدیک در این شهرها بازتولید «سرمایه اجتماعی» و تحقق «شهر عادلانه» را تسهیل می‌کند (پاتنام^۹، ۲۰۲۰؛ فینشتاین^{۱۰}، ۲۰۱۱). از نظر زیست‌محیطی، نظام‌های چندمرکزی تاب‌آورتر بوده و مشارکت مردم در مدیریت منابع آب اجتناب‌ناپذیر است (فانو^{۱۱}، ۲۰۲۴؛ محمودیان^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۵). از منظر فناوری، شهرهای میانی فرصتی برای مشارکت الکترونیک فراهم می‌آورند (نورلینه^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۵). با وجود غنای نظری، مطالعات داخلی یا به نقد کلان ساختار متمرکز پرداخته‌اند (قاسمی^{۱۴}، ۲۰۲۴) یا بر کلان‌شهرها متمرکز بوده‌اند (رسول‌زاده اقدام^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۵). از این‌رو هدف اصلی این پژوهش، سنجش مشارکت‌پذیری در پروجن و تدوین راهبردهای عملیاتی و مکان‌مند برای گذار به حکمروایی پایدار است.

^۱ Mao

^۲ Bolay & Kern

^۳ Lee

^۴ Hoffman

^۵ Arnstein

^۶ Sulaiman

^۷ Cattaneo

^۸ Alaeddini & Heidari Gharehbolagh

^۹ Putnam

^{۱۰} Fainstein

^{۱۱} FAO

^{۱۲} Mahmoudiyan

^{۱۳} Nurlinah

^{۱۴} Ghasemi

^{۱۵} Rasoulzadeh Aghdam

۲- مبانی نظری تحقیق:

۲-۱- تعاریف و مفاهیم: مشارکت به درگیری فعال شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، تخصیص منابع و سیاست‌گذاری گفته می‌شود که به شفافیت و پاسخگویی می‌انجامد (آی‌اف‌ام‌اس تی^۱، ۲۰۲۵). امروزه «مشارکت الکترونیک» با بهره‌گیری از پلتفرم‌های دیجیتال، بر کاهش فساد و افزایش اعتماد متقابل تأکید دارد (نورلینه^۲ و همکاران، ۲۰۲۵؛ سلیمان^۳ و همکاران، ۲۰۲۶). در مقابل، مشارکت‌پذیری به ظرفیت ساختاری و نهادی نظام مدیریت شهری برای گذار از مدل‌های متمرکز به الگوهای غیرمتمرکز و تعاملی اطلاق می‌شود (قاسمی^۴، ۲۰۲۴؛ مائو^۵ و همکاران، ۲۰۲۶). این مفهوم مستلزم «دولت باز»، ارتباطات دوجانبه، بودجه‌ریزی مشارکتی و «تولید مشترک» است؛ جایی که دولت و شهروندان شرکای برابر در تولید خدمات عمومی هستند (علاءالدینی و حیدری قره‌بلاغ^۶، ۲۰۲۶؛ هافمن^۷، ۲۰۲۲).

در شهرسازی، مشارکت دانش بومی ساکنان را با تخصص مهندسان پیوند می‌زند و «تناقض مقیاس» را کاهش می‌دهد (مائو و همکاران، ۲۰۲۶: ۴۲). از دیدگاه جامعه‌شناختی، مشارکت فرآیندی پویا و گره‌خورده با «سرمایه اجتماعی» (اعتماد نهادی، شبکه‌های تعاملی) و بستری برای «یادگیری اجتماعی» است (نویهاف^۸ و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۱).

بر اساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو^۹)، شهر میانی سکونتگاهی با توان ارائه خدمات سطوح T1 تا T3^{۱۰} تعریف می‌شود (کاتانو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۴: ۲). به گفته موراندل و همکاران (۲۰۲۵: ۲)، شهر میانی بر پایه پیوندهای کارکردی‌اش با منطقه شناخته می‌شود.

۲-۲- دیدگاه‌ها و نظریات:

^۱ IFMST

^۲ Nurlinah

^۳ Sulaiman

^۴ Ghasemi

^۵ Mao

^۶ Alaeddini & Heidari Gharehbolagh

^۷ Hoffman

^۸ Neuhooff

^۹ FAO

^{۱۰} خدمات T1: پایه و روزمره (مانند مدرسه، درمانگاه). T2: نیمه‌تخصصی (دبیرستان، بیمارستان عمومی). T3: تخصصی (دانشگاه، بیمارستان فوق تخصصی).

^{۱۱} Cattaneo

الف مبانی نظری مشارکت پذیری شهری: در جامعه‌شناسی، تونیس (۱۹۶۳) توسعه کلان‌شهرها را تهدیدکننده مشارکت ارگانیک دانست و دورکیم بر «همبستگی ارگانیک» تأکید کرده است. بوردیو^۱ (۱۹۸۶) مشارکت را وابسته به سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی می‌داند، در حالی که پاتنام^۲ (۲۰۲۰) و کلاریج^۳ (۲۰۰۴) بر شبکه‌های تعاملی و اعتماد عمومی تأکید دارند. در برنامه‌ریزی شهری، هابرماس^۴ (۱۹۹۶) «کنش ارتباطی» را مبنا قرار داد و لوفور^۵ (۱۹۶۸) و هاروی^۶ (۲۰۱۲) «حق به شهر» را مطرح کردند. در مدیریت شهری، آرنشتاین^۷ (۱۹۶۹) با «نزدبان مشارکت» و اوستروم^۸ (۱۹۹۶) با «تولید مشترک»، مشارکت را از سطح نمایشی تا قدرت شهروندی بسط دادند. در ایران، قاسمی^۹ (۲۰۲۴) و علاءالدینی و حیدری قره‌بلاغ^{۱۰} (۲۰۲۶) موانع مشارکت را در تمرکزگرایی اداری ریشه‌یابی کرده‌اند.

ب- مبانی نظری شهرهای میانی: شهرهای میانی سه هدف کلان دارند: (۱) ارائه خدمات ناحیه‌ای و کاهش شکاف شهری-روستایی (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۲۵)؛ (۲) ایجاد توازن در سلسله‌مراتب شهری و کاهش مهاجرت (دراو^{۱۱}، ۲۰۱۴: ۴۵)؛ (۳) تقویت همبستگی سرزمینی (شورای سینگلتون^{۱۲}، ۲۰۲۴: ۶). چهار چارچوب نظری اصلی برای تحلیل این شهرها وجود دارد: نظریه مکان مرکزی (کریستالر، ۱۹۳۳)، نظریه حکمروایی چندسطحی (موراندل، ویکی و کافمن^{۱۳}، ۲۰۲۵: ۴)، نظریه وابستگی متقابل شهر-روستا (همان: ۱۵) و نظریه سرمایه انسانی سرزمینی (دراو، ۲۰۱۴: ۱۸۹).

در این میان، اسفندیار زبردست (۱۳۸۳) در کتاب «اندازه شهر» با نقد جستجوی «اندازه بهینه واحد» برای شهرها، بر مفهوم «دامنه‌ای از اندازه‌های کارآمد» تأکید می‌کند که به کارکردها، زمینه‌های بومی و جایگاه شهر در شبکه شهری وابسته است. این دیدگاه با رویکرد پژوهش حاضر که بر نقش منطقه‌ای و کارکردهای خاص شهر میانی بروجن تأکید دارد، کاملاً همسو است.

^۱ Bourdieu

^۲ Putnam

^۳ Claridge

^۴ Habermas

^۵ Lefebvre

^۶ Harvey

^۷ Arnstein

^۸ Ostrom

^۹ Ghasemi

^{۱۰} Alaeddini & Heidari Gharehbolagh

^{۱۱} Deraëve

^{۱۲} Singleton Council

^{۱۳} Morandell, Wicki & Kaufmann

بر اساس مبانی نظری، مشارکت‌پذیری در شهرهای میانی سازوکاری چندبعدی و فراتر از فرایندهای مشورتی سنتی است که به ظرفیت نهادی نظام مدیریت شهری برای گذار از رویکرد متمرکز به مدل تعاملی اشاره دارد. تحقق این مهم به سه عامل کلیدی وابسته است: خودمختاری محلی، وجود نهادهای میان‌شهری تسهیل‌گر، و کیفیت فرایندهای مشارکتی. بدون این عوامل، کارکرد واسطه‌ای شهرهای میانی در ارائه خدمات ناحیه‌ای و ایجاد توازن شهری با اختلال مواجه می‌شود. از این رو، پژوهش پیش‌رو با عبور از کلی‌گویی‌های انتزاعی، وضعیت عینی مشارکت‌پذیری را در محله‌های بروجن واکاوی کرده و راهبردهای بومی و عملیاتی برای هر محله تدوین می‌کند.

۳- پیشینه تحقیق

بررسی نظام‌مند پژوهشهای سالهای اخیر نشان می‌دهد که حوزه مشارکت‌پذیری در حکمروایی شهری تحولی مفهومی و روش‌شناختی را تجربه کرده است. این مطالعات دیگر مشارکت را صرفاً یک ابزار مدیریتی، بلکه آن را به مثابه سازوکاری چندلایه و وابسته به بسترهای نهادی، تاریخی، فضایی و فناورانه درک می‌کنند.

۳-۱- الزامات نهادی و ساختاری مشارکت: در پژوهشهایی که به دنبال شناسایی پیش شرط‌های اجرایی حکمروایی مشارکتی بوده اند، علاءالدینی و حیدری قره‌بلاغ^۱ (۲۰۲۶) با بررسی بودجه ریزی شهروندی در تهران دریافتند که شفافیت دولتی، شکل‌گیری ارتباطات دوطرفه میان مدیریت شهری و شهروندان، و پذیرفتن نقش مدنی توسط مردم، سه رکن اساسی گذار به سوی مشارکت‌پذیری هستند. در همین زمینه، قاسمی^۲ (۲۰۲۴) نشان داد که در ایران، ساختار سلسله‌مراتبی مدیریت شهری، اقتصاد مبتنی بر رانت و نگاه امنیتی به جامعه، موانع اصلی تفویض اختیار به نهادهای محلی به شمار می‌روند. هوفر^۳ (۲۰۲۴) نیز بر این نکته تأکید دارد که سابقه تعامل شهروندان با دولت، تأثیری مستقیم و تعیین‌کننده بر میزان همکاری آنان در پروژه‌های توسعه زیرساختی دارد. به طور کلی، این یافته‌ها بر نقش حیاتی بستر نهادی و پیشینه تاریخی تأکید دارند.

Alaeddini & Heidari Gharehbolagh ^۱

Ghasemi ^۲

Hofer ^۳

۲-۳- مشارکت الکترونیک، شهر هوشمند و عدالت فضایی: در حوزه شهرهای هوشمند و مشارکت دیجیتال، سلیمان^۱ و همکاران (۲۰۲۶) به این نتیجه رسیدند که ابزارهای دیجیتال اگرچه میتوانند شفافیت را افزایش دهند، اما موفقیت آنها منوط به کاهش شکاف دیجیتال و وجود سطح قابل قبولی از اعتماد نهادی پیشین است. نورلیناه^۲ و همکاران (۲۰۲۵) نیز نقش میانجیگر اعتماد نهادی را برجسته کرده اند و نشان داده اند که گاهی مناطق شهری با وجود دسترسی بیشتر به زیرساختهای دیجیتال، مشارکت فعال کمتری نسبت به جوامع در حال گذار دارند. کول^۳ و همکاران (۲۰۲۵) بر اهمیت مزایای ملموس زیست محیطی و همچنین نگرانیهای مرتبط با حریم خصوصی تأکید کرده اند. در مقابل، رسول زاده اقدم^۴ و همکاران (۲۰۲۵) و جیووتسا^۵ (۲۰۲۶) هشدار میدهند که غلبه رویکردهای تکنوکراتیک بدون توجه به ظرفیتهای اجتماعی موجود، نه تنها مشارکت را افزایش نمیدهد، بلکه ممکن است به حاشیه نشینی بیشتر گروههای آسیب پذیر دامن بزند. بنابراین، فناوری به خودی خود رافع ل نیست و باید در کنار عدالت اجتماعی قرار گیرد.

۳-۳- پایداری شهری، ارزیابیهای فضایی و برنامه ریزی محلی: از منظر پایداری شهری و مدلهای ارزیابی کالبدی-فضایی، مائو^۶ و همکاران (۲۰۲۶) برای حل «تناقض مقیاس» در شهر پکن، مدلی یکپارچه ارائه دادند که توزیع فضایی ظرفیتهای مشارکتی را در سطح محله‌ها نشان میدهد. آلکان و قهرمان^۷ (۲۰۲۵) نیز مدیریت مشارکتی آب و کاهش کربن را به عنوان اولویت دارترین شاخصهای مشارکتی ارزیابی کردند. در سطح برنامه ریزی محلی، هافمن^۸ (۲۰۲۲) نشان داد رویکردهای داستان محور و انعطاف پذیر میتوانند جوامع محلی را توانمند سازند. در بافت ایران، محمودیان^۹ و همکاران (۲۰۱۵) توسعه شهر بروجن را در گرو بهره گیری از اکوتوریسم و دانش بومی دانسته اند.

۴-۳- شهرهای میانی؛ نقش فراموش شده در توسعه ناحیه ای: در کنار این مباحث، گروه دیگری از پژوهشها به طور خاص بر نقش شهرهای میانی در تعادل شبکه شهری و توسعه ناحیه ای متمرکز شده

^۱ Sulaiman

^۲ Nurlinah

^۳ Cole

^۴ Rasoulzadeh Aghdam

^۵ Jieutsa

^۶ Mao

^۷ Alkan & Kahraman

^۸ Hoffman

^۹ Mahmoudiyan

اند. بولای و کرن^۱ (۲۰۱۹) نشان دادند که شهرهای میانی به دلیل اندازه متوسط و کارکرد واسطه ای خود میان روستا و کلانشهر، میتوانند موتورهای توسعه ناحیه ای باشند، مشروط بر آنکه زیرساختهای ارتباطی و حکمرانی محلی در آنها تقویت شود. کاتانو^۲ و همکاران (۲۰۲۴) در ترسیم جهانی از شهر-منطقه های چندلایه، به این نتیجه رسیدند که شهرهای میانی هسته اصلی اکثر شهرمنطقه های درجه دوم و سوم هستند و برخلاف تصور رایج، بیشتر جمعیت جهان در چنین ساختارهای چندلایه ای زندگی میکند، نه در کلانشهرهای تک قطبی. در پژوهشی دیگر، دراوی^۳ (۲۰۱۴) با بررسی شهرهای رنس و آثر در فرانسه نشان داد که موفقیت شهرهای میانی در جذب سرمایه انسانی و نوآوری، به وجود زیست بومهای نوآوری مشارکتی وابسته است و فقدان مشارکت پذیری، مهمترین مانع توسعه نوآورانه در این شهرها به شمار میرود. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۴) نیز در مطالعه جهانی خود، نقش شهرهای میانی را به عنوان پیوندگاههای حیاتی در زنجیره های ارزش غذایی و کشاورزی برجسته ساخت و آنها را قطبهای توزیع و فرآوری محصولات مناطق روستایی پیرامون معرفی کرد. پایگاه داده شهری منطقه ای فائو^۴ (۲۰۲۵) نیز برای نخستین بار امکان تحلیل ارتباطات فضایی و عملکردی میان شهرهای میانی و مناطق پیرامونی را در مقیاس جهانی فراهم ساخته است. در سطح اروپا، موراندل^۵ (۲۰۲۵) از «شکاف برنامه ریزی» در شهرهای میانی سخن میگوید؛ به این معنا که نهادهای برنامه ریزی شهری و توسعه روستایی بدون هماهنگی مؤثر عمل میکنند. از سوی دیگر، موراندل، ویکی و کافمن^۶ (۲۰۲۵) نشان دادند شهرهای میانی که مکانیسمهای مشارکت پذیری پایدار مانند شوراهای مشترک و بودجه ریزی مشارکتی را نهادینه کرده باشند، در هماهنگی شهر-روستا موفقتر عمل میکنند. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۲۰۲۵) نیز در چشم انداز منطقه ای خود، عدم توجه به نقش شهرهای میانی در سیاستهای منطقه ای را یکی از دلایل اصلی افزایش نابرابریها و شکاف شهر-روستا دانسته و بر ظرفیت بالای این شهرها برای کاهش نابرابریها تأکید کرده است. شورای سینگلتون^۷ (۲۰۲۴) نیز در گزارش کارگاهی خود، این موضوع را به صراحت مطرح میکند که توسعه ناحیه ای بدون مشارکت فعال شهرهای میانی در شبکه های تصمیم گیری چندسطحی امکان پذیر نیست.

^۱Bolay & Kern

^۲Cattaneo

^۳Deraëve

^۴FAO

^۵Morandell

Morandell ^۶, Wicki & Kaufmann

^۷Singleton Council

در سطح ایران، اسفندیار زبردست (۱۳۸۳) در کتاب «اندازه شهر» با نقد جستجوی «اندازه بهینه واحد» برای شهرها، بر مفهوم «دامنه‌ای از اندازه‌های کارآمد» تأکید می‌کند که به کارکردها و زمینه بومی هر شهر وابسته است. همچنین مقاله سرایی و اسکندری ثانی (۱۳۸۶) در بررسی شهر ریوش نشان می‌دهد که تبدیل روستا به شهر بدون توجه به زیرساخت‌های تولیدی و مشارکت محلی، نه تنها مهاجرت را کاهش نداده، بلکه کارکرد واسطه‌ای شهر را تضعیف کرده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر در بروجن (که با وجود سرمایه اجتماعی، با ضعف‌های زیرساختی و اقتصادی روبه‌روست) همسو است و نشان می‌دهد سیاست‌های متمرکز توسعه شهری در ایران بدون مشارکت محلی به ناکارآمدی می‌انجامد.

۵-۳- شکاف پژوهشی و ضرورت انجام مطالعه حاضر: واکاوی انتقادی پیشینه فوق، یک شکاف پژوهشی جدی را آشکار می‌سازد. بخش عمده‌ای از مطالعات موجود یا بر کلانشهرهای پیشرفته و مدل‌های غربی متمرکز شده‌اند، یا به نقدهای کلی و انتزاعی از ساختار اداری ایران بسنده کرده‌اند. در این میان، ابزارهای مکانمند (فضایی) برای سنجش عینی و میدانی میزان مشارکت‌پذیری در شهرهای میانی ایران به شدت احساس می‌شود. به عبارت دیگر، کمتر پژوهشی کوشیده است تا نظریه‌های کلان حکمروایی مشارکتی را به راهبردی عملیاتی و محلی تقلیل دهد. بر این اساس، هدف اصلی مقاله حاضر، سنجش میدانی میزان مشارکت‌پذیری در محله‌های مختلف شهر بروجن به عنوان نمونه‌ای از یک شهر میانی ایرانی است. این پژوهش می‌کوشد بسته‌بندی سیاستی عینی و قابل‌اجرایی را در اختیار شهرداری و سیاست‌گذاران محلی قرار دهد تا برنامه‌های توسعه شهری و ناحیه‌ای با بالاترین درجه کارایی و پذیرش عمومی به اجرا درآیند.

۴- روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش، تحلیلی (از آنجا که از تکنیک‌های تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل سوات بهره گرفته است)، علی (به دلیل شناسایی روابط علت و معلولی میان عوامل مؤثر بر مشارکت‌پذیری) و پیمایشی (به سبب جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه از ساکنان محله‌ها) است و با هدف توسعه‌ای به منظور سنجش مشارکت‌پذیری محله‌های شهر بروجن و ارائه راهکارهای عملیاتی برای بهبود آن طراحی شده است. فرآیند اجرایی پژوهش شامل گردآوری اطلاعات، طبقه‌بندی و اعتبارسنجی شاخص‌ها، و در نهایت تحلیل داده‌ها با تکنیک‌های چندگانه انجام گرفته است.

۱-۴- جامعه آماری، نمونه‌گیری و حجم نمونه: جامعه آماری این پژوهش را کلیه ساکنان ۱۸ سال به بالای محله‌های شهر بروجن تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای احتمال ۵ درصد استفاده شد که بر اساس آن، حداقل حجم نمونه معادل ۳۸۴ نفر برآورد گردید. به منظور افزایش اطمینان، ۴۰۰ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در میان شهروندان ساکن در ۱۱ محله شهر بروجن (الهیه، مصلی، دانشسرا، کاروانسرا، بازار، اردوبار، سپهبد قرنی، چهارصد دستگاه، ابوعلی سینا، شهید رجایی و صادقیه) توزیع شد. پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، ۳۹۵ پرسشنامه وارد تحلیل نهایی شدند.

۲-۴- ابزار پژوهش و استخراج شاخص‌ها: ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بود که گویه‌های آن بر اساس مرور نظام‌مند مطالعات پیشین و مبانی نظری مرتبط با مشارکت‌پذیری طراحی گردید. پس از مطالعه عمیق ادبیات موضوع، شاخص‌های کلیدی در چهار بُعد اصلی (نهادی-مدیریتی، اقتصادی-رفاهی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی-کالبدی) استخراج و دسته‌بندی شدند. برای سنجش روایی پرسشنامه، از روایی صوری و محتوایی با بهره‌گیری از نظرات ۱۰ نفر از متخصصان مرتبط استفاده شد. پایایی ابزار نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. مقدار این ضریب برای هر یک از ابعاد چهارگانه به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۹ و ۰/۸۱ و برای کل پرسشنامه برابر ۰/۸۸ به دست آمد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد مطلوب ابزار پژوهش است.

لازم به ذکر است که کلیه گویه‌های پرسشنامه با زبان ساده و قابل فهم برای عموم شهروندان طراحی شدند و پیش از توزیع نهایی، آزمون مقدماتی (پایلوت) بر روی ۳۰ نفر از ساکنان بروجن انجام گرفت که تأییدکننده توانایی پاسخگویان در درک و پاسخگویی به سوالات بود. همچنین داده‌های مربوط به تحلیل عاملی و تحلیل سوات (نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید) هر دو صرفاً از پرسشنامه شهروندان (۳۹۵ نفر) استخراج شده‌اند؛ زیرا هدف پژوهش، سنجش ادراک و نگرش ساکنان نسبت به ظرفیت‌ها و موانع مشارکت در محله خود بوده است و شهروندان به عنوان بازیگران اصلی زندگی روزمره، بهترین منبع برای شناسایی قوت‌ها و ضعف‌های محله خود محسوب می‌شوند.

۳-۴- روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها: پس از جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌ها، تجزیه و تحلیل در چند گام انجام شد.

- گام اول، تحلیل عاملی اکتشافی^۱: به منظور شناسایی ابعاد پنهان مؤثر بر مشارکت‌پذیری. ابتدا کفایت نمونه‌گیری با آزمون کی‌ام^۲ (مقدار ۰/۶۲۳) و معناداری همبستگی بین متغیرها با آزمون بارتلت ($p < 0.001$) تأیید شد. سپس با روش استخراج مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس وبا استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام پذیرفت.
 - گام دوم، تحلیل سوات^۳: بر اساس یافته‌های تحلیل عاملی و نیز بررسی محیط درونی و بیرونی محله‌ها، نقاط قوت (۲۶ گویه)، ضعف (۱۶ گویه)، فرصت‌ها (۳۷ گویه) و تهدیدها (۲۴ گویه) مرتبط با مشارکت‌پذیری شناسایی و در قالب ماتریس‌های جداگانه تدوین شدند. این مرحله با استفاده از روش کیفی و نظر کارشناسی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار Excel انجام گرفت. برای هر یک از این عوامل، استراتژی‌های عملیاتی متناظر (با کدهای SS برای قوت، WS برای ضعف، OS برای فرصت و TS برای تهدید) طراحی گردید.
 - گام سوم: ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی کیواس‌پی‌ام^۴ - برای اولویت‌بندی کمی استراتژی‌های تدوین‌شده، از روش برنامه‌ریزی استراتژیک کمی استفاده شد. در این مرحله، ابتدا به هر عامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید، وزنی متناسب با اهمیت و میانگین آن تخصیص یافت (جمع وزن‌ها در هر دسته برابر ۱). سپس نمره جذابیت) هر استراتژی (با طیف ۱ تا ۴) توسط تیم خبره ۱۰ نفره تعیین گردید. امتیاز جذابیت کل برای هر استراتژی از حاصلضرب وزن در نمره جذابیت محاسبه شد و نهایتاً استراتژی‌ها بر اساس مجموع تی‌ای‌اس^۵ رتبه‌بندی شدند. محاسبات کیواس‌پی‌ام در محیط اکسل انجام شد.
- تمامی خروجی‌های عددی و نمودارهای حاصل از تحلیل عاملی (شامل نمودار دندره، نقشه حرارتی بارهای عاملی و نمودار واریانس تبیین شده) و جداول مربوط به سوات و کیواس‌پی‌ام در بخش یافته‌ها ارائه شده‌اند. در پایان، بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی و کیفی، پیشنهاد‌های عملیاتی به صورت زمان‌بندی شده (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) و مکانی (مطابق با اولویت هر محله از نظر ظرفیت‌ها و نیازها) برای بهبود مشارکت‌پذیری در شهر بروجن ارائه گردید.

۵- یافته‌های تحقیق:

در این بخش، ابتدا نتایج آمار توصیفی و پایایی ابزار، سپس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی و در ادامه تحلیل تفصیلی سوات شامل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها به همراه دسته‌بندی علمی هر یک و ارجاع به مبانی نظری ارائه می‌گردد. اولویت‌بندی نهایی راهبردها بر اساس ماتریس کیواس‌پی‌ام در بخش نتیجه‌گیری و پیشنهادها آورده خواهد شد.

بعد	نام شاخص	منبع استخراج (مبانی نظری)
کالبدی	زیباسازی فضاهای شهری و مطلوبیت فضا	(ماکالوسو ^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ آلکان ^۲ و قهرمان، ۲۰۲۵؛ نویهاف ^۳ و همکاران، ۲۰۲۳؛ مائو ^۴ ، و همکاران، ۲۰۲۶)
	مکانیابی مناسب مراکز خدماتی و برنامه‌ریزی مطلوب کاربری اراضی	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵؛ قاسمی ^۵ ، ۲۰۲۴)
	حفاظت از بافت تاریخی	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵)
	بهبود زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی	(مائو و همکاران، ۲۰۲۶)
	ارتقاء کیفیت و تنوع سیستم حمل و نقل	(ماکالوسو و همکاران، ۲۰۲۳)
	ارتقاء کیفیت شبکه‌های ارتباطی و روشنایی معابر	(مائو و همکاران، ۲۰۲۶)
	سهولت دسترسی به مراکز خدماتی	(ماکالوسو و همکاران، ۲۰۲۳)
	بهبود وضعیت آلودگی‌های شهری (هوا، صوتی، آب)	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵)
زیست محیطی	حفاظت از منابع و چشم‌اندازهای طبیعی	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵)
	توسعه و نگهداری فضای سبز و باغات	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵)
	بهبود وضعیت نظافت، دفع زباله و بازیافت شهری	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵؛ نویهاف و همکاران، ۲۰۲۳)
	ارتقاء کیفیت و کمیت آب شرب مورد نیاز شهر	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵؛ فائو، ۲۰۲۴)
	ارتقاء کیفیت جمع‌آوری آب‌های سطحی	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵)
	راهکارهای افزایش کارایی و صرفه جویی در مصرف انرژی	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵)

^۱ Macaluso

^۲ Alkan & Kahraman

^۳ Neuhoﬀ

^۴ Mao

^۵ Ghasemi

بعد	نام شاخص	منبع استخراج (مبانی نظری)
اقتصادی	ایجاد فرصت اشتغال و کارآفرینی	
	خوداتکایی و تقویت اقتصاد محلی شهر	(بورديو، ۱۹۸۶)
	ارتقاء سطح تأمین اجتماعی شهروندان	
	پرداخت به موقع عوارض و مالیات	(فینشتاین، ۲۰۱۱)
	ارتقاء سطح رفاه شهروندان	
	دسترسی شهروندان به تسهیلات متنوع و با کیفیت (رستوران، خورده فروشی و ...)	(بورديو، ۱۹۸۶)
	سرمایه‌گذاری و ایجاد امکانات تفریحی و فراغتی در شهر	(ماکالوسو و همکاران، ۲۰۲۳)
	میزان درآمد و پس‌انداز	(بورديو، ۱۹۸۶)
اجتماعی	ارتقاء استفاده از رسانه‌های اجتماعی	(ماکالوسو و همکاران، ۲۰۲۳؛ سلیمان ^۱ و همکاران، ۲۰۲۶)
	تعاملات شهروندان و ارتباطات اجتماعی	(پاتنام، ۲۰۲۰؛ کلاریج، ۲۰۰۴)
	مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه	(پاتنام، ۲۰۲۰؛ اوستروم ^۲ ، ۱۹۹۶)
	امنیت غذایی مناسب	(فائو، ۲۰۲۴؛ آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵)
	سرمایه‌گذاری و ایجاد امکانات تفریحی و فراغتی در شهر	(ماکالوسو و همکاران، ۲۰۲۳)
	ایجاد حس مکان و تقویت هویت شهری	(لوفور ^۳ ، ۱۹۶۸؛ هاروی، ۲۰۱۲)
	میزان سواد، تخصص و آگاهی شهروندان نسبت به مسائل شهری	(ماکالوسو و همکاران، ۲۰۲۳)
	ارتقاء کمی و کیفی خدمات (بهداشتی درمانی، آموزشی و ...)	(کاتانئو و همکاران، ۲۰۲۴)
	افزایش سطح احساس آرامش و امنیت شهروندان در فضاهای شهری	(آلکان و قهرمان، ۲۰۲۵)
	افزایش سرمایه اجتماعی و روحیه و حس همکاری	(پاتنام، ۲۰۲۰؛ کلاریج، ۲۰۰۴)
مدیریتی	بعد حکمروایی	(آرنشتاین ^۴ ، ۱۹۶۹؛ اوستروم، ۱۹۹۶؛ قاسمی، ۲۰۲۴)
	جلب اعتماد و مشروعیت بین مردم و مسئولان	(قاسمی، ۲۰۲۴؛ کول و همکاران، ۲۰۲۵؛ سلیمان و همکاران، ۲۰۲۶)
	ارتقاء نظارت و کنترل دولتی	(فوکو، ۱۹۷۷؛ قاسمی، ۲۰۲۴)
	قانون‌گذاری مناسب	(قاسمی، ۲۰۲۴)
	خلاقیت و بکارگیری تکنولوژی‌های جدید در مدیریت امور	(رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۲۰۲۵؛ جیووتسا ^۱ ،

^۱ Sulaiman

^۲ Ostrom

^۳ Lefebvre

^۴ Arnstein

بمد	نام شاخص	منبع استخراج (مبانی نظری)
	اداری	(۲۰۲۶)
	وجود حاکمیت شفاف و پاسخگو	(قاسمی، ۲۰۲۴؛ سلیمان و همکاران، ۲۰۲۶)
	نخبه گرایی سیاسی و مهارت مدیران و کارکنان سازمانها	(بوردیو، ۱۹۸۶)
	توجه مسئولان به نظرات و پیشنهادات شهروندان	(آرنشتاین، ۱۹۶۹؛ قاسمی، ۲۰۲۴)
	پیشگیری از فساد در قدرت اداری و سیاسی	(قاسمی، ۲۰۲۴)
	قانون گذاری مناسب	

۱-۵- روایی محتوایی ابزار پژوهش: برای سنجش روایی محتوایی پرسشنامه ۴۲ گویه‌ای، دو شاخص سی‌وی‌آر^۲ (نسبت روایی محتوا) و سی‌وی‌آی^۳ (شاخص روایی محتوا) با نظرخواهی از ۱۰ متخصص مرتبط با حوزه شهری محاسبه شد. بر اساس جدول لاوشه، مقدار بحرانی روایی برابر ۰/۹۹ است. تمام ۴۲ گویه دارای روایی بالاتر از ۰/۹۹ بودند. همچنین میانگین سی‌وی‌آر کل پرسشنامه ۰/۹۲ به دست آمد که نشان‌دهنده روایی محتوایی عالی است (مقدار قابل قبول $0.79 <$).

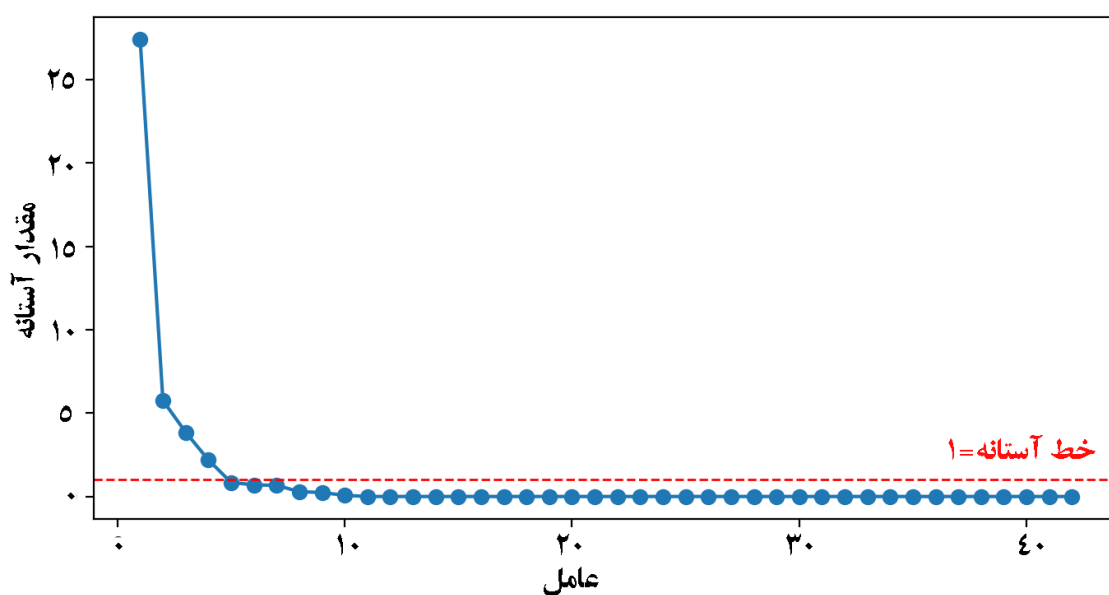
۲-۵- نتایج تحلیل عاملی اکتشافی: پیش از اجرای تحلیل عاملی، مناسب بودن داده‌ها با دو آزمون بررسی شد. آزمون کی‌ام‌او مقدار ۰/۶۲۳ را نشان داد که در مرز قابل قبول قرار دارد و آزمون بارتلت در سطح $p < 0.01$ معنادار شد؛ بنابراین داده‌ها برای تحلیل عاملی کفایت لازم را دارند. با استفاده از روش استخراج مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس، ۴ عامل با مقدار ویژه بالاتر از ۱ استخراج گردید.

جدول ۱. واریانس تبیین شده توسط عوامل پس از چرخش

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۱۲/۰۲۴	۲۸/۶	۲۸/۶
۲	۹/۸۸۱	۲۳/۵	۵۲/۲

^۱ Jieutsa
^۲ CVR
^۳ CVI
^۴ KMO

درصد تجمعی	درصد واریانس	مقدار ویژه	عامل
۷۴/۱	۲۱/۹	۹/۱۸۴	۳
۹۱/۱	۱۷/۰	۷/۱۴۵	۴



شکل ۱. مقادیر ویژه مؤلفه‌های استخراج شده از تحلیل عاملی

عامل اول: حکمرانی شفاف و اعتماد نهادی (تبیین ۲۸/۶ درصد از واریانس): متغیرهای دارای بالاترین بار عاملی در این مؤلفه عبارتند از: «شفافیت و پاسخگویی حاکمیت»، «پیشگیری از فساد اداری»، «قانون‌گذاری مناسب»، «جلب اعتماد میان مردم و مسئولان» و «حفاظت از بافت‌های تاریخی». ظهور این متغیرها در یک عامل واحد نشان می‌دهد که در ادراک ساکنان بروجن، مسئله مشارکت پیش از هر چیز به کیف نظام اداری و ساختار قدرت گره خورده است.

این عامل مستقیماً سطوح بالای «نردبان مشارکت» آرنشتاین^۱ (۱۹۶۹) را بازنمایی می‌کند. مطابق این نظریه، مشارکت تنها زمانی از مرحله «ظاهرسازی» و «مشورت نمادین» فراتر می‌رود که ساختارهای قدرت دستخوش تغییر شوند. بار عاملی بالای متغیر «شفافیت و اعتماد» نشان می‌دهد که در بروجن، ضعف اعتماد نهادی به مثابه مهم‌ترین مانع ساختاری مشارکت عمل می‌کند. این یافته با مفهوم «تولید مشترک» اوستروم^۲ (۱۹۹۶) نیز همسو است؛ از منظر اوستروم، همکاری نهادی میان دولت و شهروندان پیش‌نیاز هر نوع مشارکت پایدار است. در چارچوب نظری شهرهای میانی، وجود چنین عاملی با تأکید بولای و کرن^۳ (۲۰۱۹) بر ضرورت «خودمختاری محلی» تطابق دارد. به عبارت دیگر، بدون بازتعریف روابط قدرت و نهاده‌سازی شفافیت، مشارکت در شهر میانی بروجن در سطح «مشارکت نمایشی» متوقف خواهد ماند.

عامل دوم: سرمایه‌های اقتصادی و رفاه محلی (تبیین ۲۳/۵ درصد از واریانس): متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل شامل «سرمایه‌گذاری و تأمین مالی»، «دسترسی به تسهیلات متنوع»، «درآمد و پس‌انداز»، «تنوع‌بخشی اقتصادی» و «خوداتکایی شهروندان» است. میانگین پایین متغیر «سرمایه‌گذاری مالی» در محله‌هایی مانند صادقیه و دانشسرا نشان می‌دهد که محدودیت‌های اقتصادی، انگیزه مشارکت را به شدت کاهش می‌دهد.

این عامل ارتباط مستقیمی با نظریه «سرمایه اقتصادی» بوردیو^۴ (۱۹۸۶) دارد. از منظر بوردیو، مشارکت در «میدان» سیاست‌گذاری شهری مستلزم انباشت انواع سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) است. عاملی که با عنوان «اقتصاد محلی و رفاه» ظهور یافته، در واقع بازتاب کمبود سرمایه اقتصادی به عنوان مانعی ساختاری برای مشارکت است. همچنین، این یافته با تأکید پاتنام^۵ (۲۰۰۰) بر این نکته که رفاه اقتصادی شرط لازم برای کارایی نهادهای دموکراتیک است، هماهنگی کامل دارد. در نظریه شهرهای میانی، کاتانئو^۶ و همکاران (۲۰۲۴) نشان داده‌اند که شهرهای میانی به دلیل نسبت هزینه به خدمات بهینه‌تر، ظرفیت بالایی برای تأمین رفاه دارند، اما در بروجن، عدم تخصیص منابع از

^۱ Arnstein

^۲ Ostrom
^۳ Bolay & Kern
^۴ Bourdieu
^۵ Putnam
^۶ Cattaneo

طریق سازوکارهایی مانند «بودجه‌ریزی مشارکتی»، این ظرفیت را به یک نقطه ضعف تبدیل کرده است.

عامل سوم: سرمایه اجتماعی و شبکه‌های تعاملی (تبیین ۲۱/۹ درصد از واریانس): متغیرهای کلیدی این عامل عبارتند از: «مشارکت داوطلبانه» (بالاترین بار عاملی)، «تعاملات اجتماعی»، «افزایش سرمایه اجتماعی»، «احساس آرامش و امنیت» و «اقدام جمعی». حضور همزمان متغیرهای رفتاری (مشارکت داوطلبانه) و زمینه‌ای (تعاملات اجتماعی) در یک عامل، نشان‌دهنده وجود بستر نسبی برای همکاری‌های غیررسمی در محله‌ها بروجن است.

این عامل مستقیماً با مفهوم «سرمایه اجتماعی» پاتنام (۲۰۰۰) و «همبستگی ارگانیک» دورکیم پیوند می‌خورد. پاتنام سرمایه اجتماعی را در قالب شبکه‌های تعاملی، اعتماد عمومی و هنجارهای متقابل تعریف می‌کند که هزینه‌های هماهنگی را کاهش می‌دهند. ظهور این عامل با بار عاملی بالا نشان می‌دهد که بروجن با وجود ضعف‌های نهادی (عامل اول) و اقتصادی (عامل دوم)، از ظرفیت بالایی در حوزه شبکه‌های افقی و اعتماد میان‌فردی برخوردار است. از منظر نظریه شهرهای میانی (دراو^۱، ۲۰۱۴؛ موراندل^۲ و همکاران، ۲۰۲۵)، چنین ظرفیتی یک مزیت راهبردی محسوب می‌شود؛ چرا که شهرهای میانی به دلیل مقیاس انسانی‌تر و پیوندهای اجتماعی نزدیک‌تر، بستر غنی‌تری برای بازتولید سرمایه اجتماعی دارند. بنابراین، راهبردهای مشارکتی در بروجن باید بر فعال‌سازی همین شبکه‌های موجود متمرکز شوند، نه ساخت شبکه‌های جدید از صفر.

عامل چهارم: پایداری زیست‌محیطی و حق به شهر (تبیین ۱۷/۰ درصد از واریانس): متغیرهای اصلی این عامل شامل «کیفیت و کمیت آب شرب»، «توسعه فضای سبز»، «نظافت و بازیافت»، «کاهش آلودگی‌ها» و «حفاظت از منابع طبیعی» است. در محله‌های بروجن، خشک شدن باغات حومه و آلودگی منابع آب به عنوان تهدیدهای اصلی شناسایی شده‌اند.

این عامل با نظریه «حق به شهر» هاروی^۱ (۲۰۱۲) و لوفور^۲ (۱۹۶۸) پیوند نظری دارد. از این منظر، مشارکت تنها ابزاری برای تصمیم‌گیری نیست، بلکه حقی برای دسترسی برابر به منابع شهری و مشارکت در تولید فضا است. ظهور متغیرهای زیست‌محیطی به عنوان یک عامل مستقل و مجزا نشان می‌دهد که در بروجن، مسائل اکولوژیک (به ویژه بحران آب) به عنوان یک «مسئله کانونی» عمل می‌کند که ظرفیت بسیج‌کنندگی بالایی برای مشارکت دارد. این یافته با پژوهش محمودیان و همکاران (۲۰۱۵) که توسعه بروجن را در گرو بهره‌گیری از اکوتوریسم و دانش بومی دانسته‌اند، همسو است. همچنین، با رویکرد «شهرسازی تاکتیکی» (لیدون و گارسیا^۳، ۲۰۱۵) که بر مداخلات خرد و مکان‌مند تأکید دارد، قابل جمع است. در چارچوب نظری شهرهای میانی، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد^۴ (۲۰۲۴) نیز نقش این شهرها را به عنوان پیوندگاه‌های حیاتی در زنجیره‌های ارزش کشاورزی و منابع طبیعی برجسته ساخته است. بنابراین، نادیده گرفتن این بُعد در بروجن، نه تنها مشارکت را تضعیف می‌کند، بلکه ظرفیت توسعه پایدار منطقه را نیز از بین می‌برد.

ترکیب چهار عامل استخراج‌شده نشان می‌دهد که مشارکت‌پذیری در شهر بروجن یک پدیده «چندبعدی و وابسته به بستر» است. عامل اول و دوم عمدتاً به «ظرفیت سیستم» (حکمرانی و اقتصاد) و عامل سوم و چهارم به «ظرفیت جامعه محلی» (سرمایه اجتماعی و مسئله‌های زیست‌محیطی) اشاره دارند. شکاف معنادار میان ظرفیت سیستم (پایین) و ظرفیت جامعه محلی (نسبتاً بالاتر) بیانگر آن است که برخلاف مفروضات رایج در ادبیات شهرهای میانی (کاتانو^۵ و همکاران، ۲۰۲۴؛ موراندل^۶ و همکاران، ۲۰۲۵)، صرف وجود سرمایه اجتماعی و مسئله‌های مشترک برای تحقق مشارکت کافی نیست؛ بلکه بازطراحی نهادهای محلی و توزیع عادلانه منابع مالی پیش‌شرط اساسی فعال‌سازی این ظرفیت‌هاست. این یافته، شکاف پژوهشی پیش‌گفته در بخش پیشینه را پر می‌کند: در حالی که مطالعات پیشین یا بر نقد ساختار کلان متمرکز بوده‌اند (قاسمی^۷، ۲۰۲۴) یا بر کلان‌شهرها (رسول‌زاده

^۱Harvey

^۲Lefebvre

^۳Lydon

^۴FAO

^۵Cattaneo

^۶Morandell

^۷Ghasemi

اقدام^۱ و همکاران، ۲۰۲۵)، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در یک شهر میانی مانند بروجن، «ناهماهنگی میان ظرفیت سیستم و ظرفیت جامعه محلی» مهم‌ترین مانع مشارکت‌پذیری است.

۳-۵- نتایج تحلیل سوات: در این بخش، ۲۶ قوت، ۱۶ ضعف، ۳۷ فرصت و ۲۴ تهدید که بر اساس میانگین نمرات ۱۱ محله (مقیاس ۱ تا ۵) محاسبه شده‌اند، به تفکیک تحلیل می‌گردند. برای هر دسته، ابتدا بر اساس مبانی نظری چارچوب تحلیل ارائه می‌شود، سپس شاخص‌ها دسته‌بندی و در پایان نمودارهای عنکبوتی تفسیر می‌گردند.

۱-۳-۵- تحلیل عوامل داخلی:

۱-۳-۵-۱- تحلیل نقاط قوت: بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام^۲ که بر شبکه‌های تعاملی، اعتماد عمومی و هنجارهای متقابل تأکید دارد و نیز نظریه همبستگی ارگانیک که بر پیوندهای طبیعی ناشی از تقسیم کار اجتماعی اشاره می‌کند، قوت‌های یک نظام شهری در درجه اول به میزان اعتماد افقی، شبکه‌های تعاملی و هنجارهای همکاری وابسته است. پاتنام در کتاب بولینگ تنها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی هزینه‌های هماهنگی را کاهش داده و کارایی نهادهای دموکراتیک را افزایش می‌دهد. در محله‌های بروجن، شاخص‌های قوت بر اساس میانگین به سه دسته قوی با میانگین بالاتر یا مساوی ۳/۵، متوسط با میانگین بین ۳ تا ۳/۵ و ضعیف با میانگین کمتر از ۳ تقسیم شدند.

سه شاخص تعاملات اجتماعی با میانگین ۳/۵۵، مشارکت داوطلبانه با میانگین ۳/۶۸ و حس مکان با میانگین ۳/۵۲ بالاترین میانگین را دارند و به عنوان قوت‌های قوی شناخته می‌شوند. این یافته مستقیماً با تأکید پاتنام بر شبکه‌های تعاملی و هنجارهای متقابل و نیز با نظریه حق به شهر دیوید هاروی^۳ که بر حس تعلق به مکان و مشارکت در تولید فضای شهری تأکید دارد، همخوان است. هاروی در کتاب شهرهای شورشی بیان می‌کند که حق به شهر فراتر از دسترسی آزاد به منابع شهری است و شامل قدرت دگرگون‌سازی شهر از طریق کنش جمعی می‌شود. همچنین این یافته با مفهوم سرمایه اجتماعی در مقیاس محلی که کلاریج آن را شرط لازم برای مشارکت پایدار می‌داند، همسو است. بررسی پراکندگی این قوت‌ها در محله‌های نشان می‌دهد که محله الهیه در این سه شاخص امتیازات بالای چهار دارد، محله‌های ابوعلی سینا و شهید رجایی نیز وضعیت مناسبی دارند، اما محله صادقیه امتیاز زیر ۲/۵

^۱ Rasoulzadeh Aghdam

^۲ Putnam

^۳ Harvey

کسب کرده است. این شکاف عمیق، گویای تمرکز سرمایه اجتماعی در برخی نقاط و ضرورت انتشار آن به محله‌های حاشیه ای است.

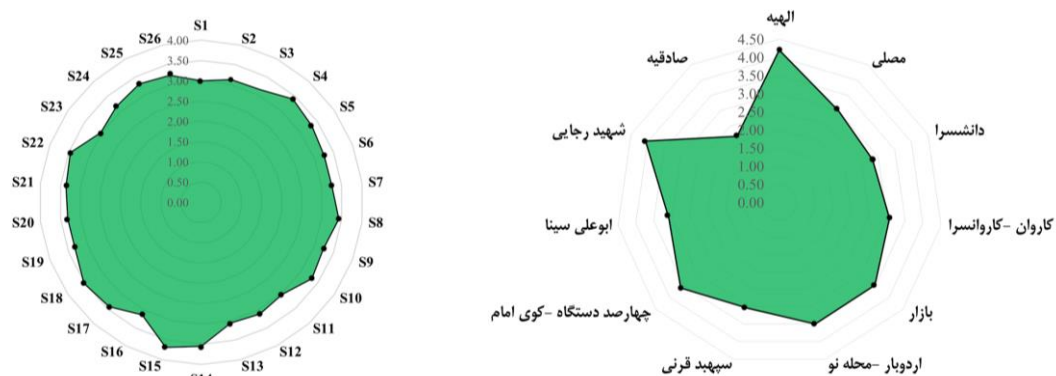
بیست و سه شاخص دیگر با میانگین بین ۳/۰ تا ۳/۴۵ عمدتاً ناظر بر زیباسازی، روشنایی، دسترسی به خدمات، اشتغال و قانون گذاری هستند و در دسته قوت‌های متوسط قرار میگیرند. از نظر نردبان مشارکت شری آرنشتاین^۱، این سطح از قوتها نشان میدهد که مشارکت در بروجن هنوز از مرحله اطلاع رسانی و مشورت که پله های سوم و چهارم نردبان نه پله ای او هستند فراتر نرفته و به مراحل مشارکت شهروندی حقیقی مانند قدرت شهروندی و تفویض اختیار نرسیده است. آرنشتاین هشدار میدهد که بسیاری از فرایندهای موسوم به مشارکتی در عمل به مشارکت نمایشی بدل میشوند. محله های چهارصد دستگاه و مصلی در برخی از این شاخصها امتیازات متوسط رو به بالایی دارند.

تنها شاخص سرمایه گذاری مالی با میانگین ۲/۹۳ در دسته قوت‌های ضعیف قرار میگیرد. مطابق نظریه اشکال سرمایه پیر بوردیو، سرمایه اقتصادی یکی از سه شکل اصلی سرمایه در کنار سرمایه فرهنگی و اجتماعی است و ضعف سرمایه اقتصادی مستقیماً توانایی کنشگران برای ورود به میدان سیاستگذاری شهری و مشارکت مؤثر را تهدید میکند. بوردیو در کتاب تمایز نشان میدهد که نبود سرمایه کافی، گروههای محروم را از میدانهای قدرت اقتصادی و سیاسی طرد می کند. در محله های صادقیه، دانشسرا و کاروانسرا این شاخص امتیاز زیر ۲/۵ دارد که هشدار برای اجتناب از استراتژیهای پرهزینه مالی است.

جدول ۲. شاخص های قوت مشارکت پذیری

کد	نام شاخص	میانگین
S1	زیبا سازی فضاهای شهری و مطلوبیت فضا	3.00
S2	مکانیابی مناسب مراکز خدماتی و برنامه ریزی مطلوب کاربری اراضی	3.11
S3	ارتقاء کیفیت و تنوع سیستم حمل و نقل	3.14
S4	ارتقاء کیفیت شبکه های ارتباطی و روشنایی معابر	3.41
S5	سهولت دسترسی به مراکز خدماتی (تفریحی، ورزشی، بهداشتی و ...)	3.32
S6	ایجاد فرصت های اشتغال و کارآفرینی	3.25
S7	متنوع سازی فعالیت های اقتصادی	3.25

3.43	پرداخت به موقع عوارض و مالیات	S8
3.23	ارتقاء سطح رفاه شهروندان	S9
3.32	دسترسی شهروندان به تسهیلات متنوع و با کیفیت (رستوران، خورده فروشی و ...)	S10
2.93	سرمایه گذاری و تأمین مالی	S11
3.11	میزان درآمد و پس انداز	S12
3.07	ارتقاء استفاده از رسانه های اجتماعی	S13
3.55	تعاملات شهروندان و ارتباطات اجتماعی	S14
3.68	مشارکت در فعالیت های داوطلبانه	S15
3.14	امنیت غذایی مناسب	S16
3.43	سرمایه گذاری و ایجاد امکانات تفریحی و فراغتی مختلف در شهر	S17
3.52	ایجاد حس مکان و تقویت هویت شهری	S18
3.32	میزان سواد، تخصص و آگاهی شهروندان نسبت به مسائل شهری	S19
3.32	ارتقاء کمی و کیفی خدمات (بهداشتی درمانی، آموزشی و ...)	S20
3.36	افزایش سطح احساس آرامش و امنیت شهروندان در فضاهای شهری	S21
3.45	افزایش سرمایه اجتماعی و روحیه و حس همکاری	S22
3.02	بعد حکمروایی	S23
3.16	جلب اعتماد و مشروعیت بین مردم و مسولان	S24
3.30	ارتقاء نظارت و کنترل دولتی	S25
3.23	قانون گذاری مناسب	S26



شکل ۲. نمودار عنکبوتی میانگین قوت، شاخص‌ها و محله‌ها

۲-۱-۳-۵- تحلیل نقاط ضعف: بر اساس نقدهای نظام اداری متمرکز ایران که احمد قاسمی آن را ریشه در فرهنگ تاریخی تأکید بر قدرت و اطاعت و اقتصاد مبتنی بر رانت نفتی می‌داند، ضعفهای ساختاری در سه سطح زیرساختی، مدیریتی و اجتماعی قابل تحلیل هستند. قاسمی در مطالعه خود نشان میدهد که اتکای دیرینه دولت به درآمدهای نفتی نوعی استقلال مالی از جامعه ایجاد کرده که به نوبه خود انگیزه برای شفافیت را کاهش داده و رویکرد بالا به پایین را بر شکل‌گیری نهادهای مدنی مستقل چیره ساخته است. ضعفهای بروجن به دو دسته متوسط با میانگین بین ۳ تا ۳/۵ و خفیف با میانگین کمتر از ۳ تقسیم میشوند. نکته مهم این است که هیچ ضعف شدید یا بسیار شدیدی وجود ندارد.

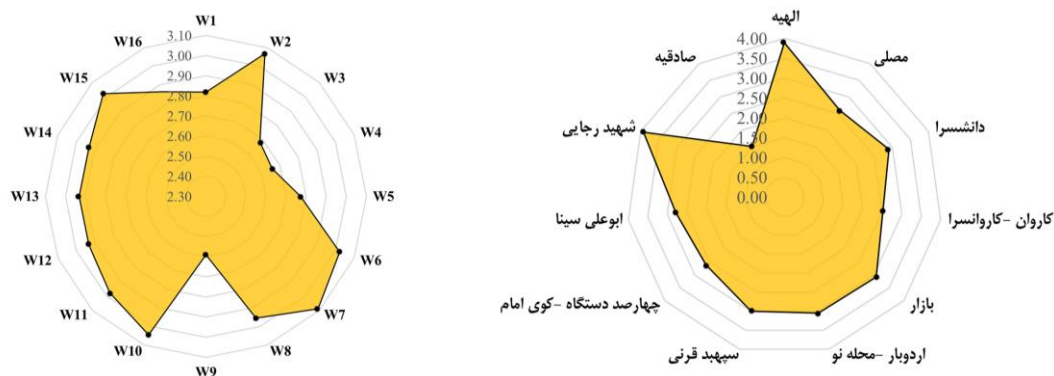
پنج شاخص کمبود زیرساخت با میانگین ۳/۷۰، نظافت و زباله با میانگین ۳/۲۰، آب شرب با میانگین ۳/۹۰، اقتصاد محلی با میانگین ۳/۵۰ و عدم پاسخگویی مسئولان با میانگین ۳/۲۰ بیشترین میانگین را دارند و به عنوان ضعفهای متوسط و نیازمند اقدام فوری شناسایی میشوند. این یافته با نقد قاسمی مبنی بر اینکه ساختار اداری سلسله‌مراتبی و نگاه امنیتی به جامعه مانع اصلی تفویض اختیار به نهادهای محلی است، کاملاً همسو است. همچنین بولای و کرن در مطالعه خود درباره شهرهای میانی تأکید می‌کنند که فقدان خودمختاری محلی و نبود پاسخگویی مسئولان، مهمترین مانع تحقق حکمروایی مشارکتی در این شهرهاست. بررسی پراکندگی این ضعفها نشان میدهد که محله صادقیه در تمام این پنج شاخص امتیاز بالایی دارد، به این معنا که ضعف در این محله شدیدتر است و پس از آن دانشسرا

و چهارصد دستگاه قرار دارند. در مقابل، محله های الهیه و ابوعلی سینا کمترین امتیاز ضعف را نشان میدهند.

یازده ضعف دیگر مانند حفاظت از بافت تاریخی، آلودگی، فضای سبز، مصرف انرژی و شفافیت با میانگین های بین ۲/۹۵ تا ۲/۹۸ در دسته ضعفهای خفیف قرار می گیرند. انباشت این ضعفها در محله های صادقیه، دانشسرا و چهارصد دستگاه منجر به فرسایش تدریجی اعتماد اجتماعی می شود که با هشدار گنورگ زیمل درباره نگرش بی تفاوت در فضاهای متراکم شهری همخوانی دارد. زیمل در مقاله کلانشهر و زندگی ذهنی نشان می دهد که وفور بیش از حد محرکها در فضاهای شهری انباشته، افراد را به سمت بی تفاوتی و کناره گیری از مشارکت سوق میدهد.

جدول ۳. شاخص های ضعف مشارکت پذیری

کد	نام شاخص	میانگین
W1	حفاظت ناکافی از بافت های تاریخی داخل شهر	2.82
W2	کمبود زیرساخت ها و خدمات زیربنایی	3.07
W3	آلودگی های شهری (هوا، صوتی، آب)	2.68
W4	حفاظت ناکافی از منابع و چشم اندازهای طبیعی	2.66
W5	توسعه و نگهداری فضای سبز و باغات	2.77
W6	وضعیت نامناسب نظافت، دفع زباله و بازیافت شهری	3.02
W7	کیفیت و کمیت ناکافی آب شرب مورد نیاز شهر	3.09
W8	ناهماهنگی در جمع آوری آب های سطحی	2.95
W9	الگو نامناسب مصرف انرژی	2.59
W10	نبود تدابیر خوداتکایی و تضعیف اقتصاد محلی شهر	3.05
W11	ضعف تامین اجتماعی شهروندان	2.98
W12	عدم خلاقیت و بکارگیری تکنولوژی های جدید در مدیریت امور اداری	2.93
W13	وجود حاکمیت شفاف و پاسخگو	2.93
W14	نخبگرایی ضعیف و عدم بکارگیری مناسب متخصصان در مدیریت شهری	2.93
W15	عدم توجه مسئولان به نظرات و پیشنهادات شهروندان	3.02
W16	عدم شفافیت در قدرت اداری و سیاسی	2.86



شکل ۳. نمودار عنکبوتی میانگین ضعف، شاخص‌ها و محله‌ها

۵-۳-۲- تحلیل عوامل خارجی:

۵-۳-۲-۱- تحلیل نقاط فرصت: از منظر نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس^۱ که بر وضعیت ایده آل گفتار و کنش ارتباطی عاری از سلطه تأکید دارد و نیز شهرسازی تاکتیکی مایک لیدون و آنتونی گارسیا که بر مداخلات خرد و کم هزینه محلی برای دگرگونی فضاهای شهری اشاره می‌کند، فرصتهای بیرونی در صورتی به مشارکت پایدار منجر می‌شوند که با ظرفیتهای درونی جامعه هماهنگ باشند. هابرماس در کتاب بین واقعیت و هنجارها استدلال میکند که مشارکت حقیقی زمانی محقق میشود که کنشگران بتوانند در فضایی فارغ از سلطه و با منطق گفتگو به تفاهم برسند. فرصتهای بروجن به سه دسته قوی با میانگین بالاتر یا مساوی ۳/۵، متوسط با میانگین بین ۳ تا ۳/۵ و ضعیف با میانگین کمتر از ۳ تقسیم شدند.

شش فرصت شامل برگزاری جشنواره سالانه همسایگی با میانگین ۳/۵۰، بانک اطلاعات داوطلبان فراشهری با میانگین ۳/۵۷، همیاران مدرسه سازی با میانگین ۳/۶۸، همکاری در حفظ و احیای مراتع با میانگین ۳/۵۲، گروههای پاکسازی طبیعت با میانگین ۳/۵۹ و برگزاری همایش سالانه همیاری با میانگین ۳/۶۴ در دسته فرصتهای قوی قرار دارند. این فرصتها عمدتاً در حوزه همبستگی اجتماعی، داوطلبی و محیط زیست قرار گرفته اند و بالاترین امتیاز را دارند که نشان دهنده پتانسیل اجرای استراتژیهای تهاجمی است. از منظر نظریه تولید مشترک النور اوستروم^۲، این نوع فرصتها بستر مناسبی

^۱ Habermas
^۲ Ostrom

برای همکاری نهادی میان دولت و شهروندان فراهم میکنند. اوستروم در مقاله مشهور خود با عنوان عبور از شکاف بزرگ نشان می دهد که تولید مشترک هنگامی موفق است که شهروندان به عنوان شرکای برابر در ارائه خدمات عمومی مشارکت کنند. بررسی پراکندگی این فرصتها نشان میدهد که محله های الهیه، ابوعلی سینا و شهید رجایی بالاترین بهره مندی را دارند، در حالی که محله های صادقیه و کاروانسرا کمترین بهره مندی را نشان میدهند.

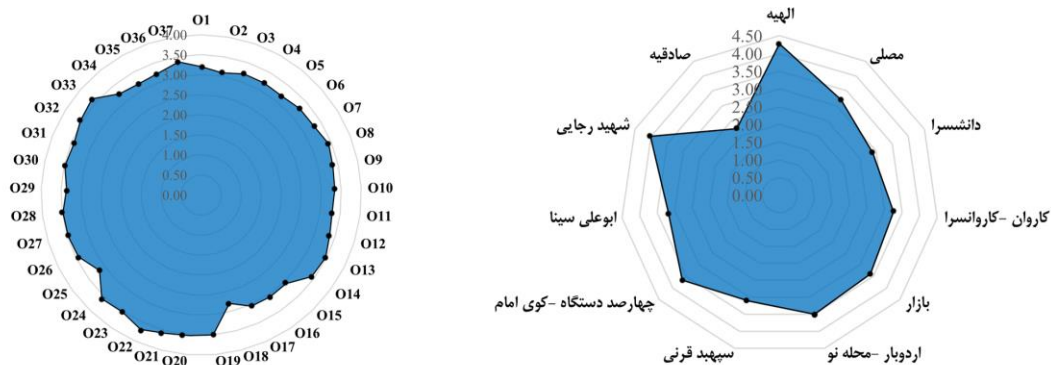
سی فرصت دیگر با میانگینهای بین ۳/۵۰ تا ۳/۴۸ گستره وسیعی از همکاریهای شهر و روستا، تعاونیها، گردشگری، شفافیت مالی، نظارت مردمی و منشور مشارکت را پوشش می دهند و در دسته فرصتهای متوسط قرار میگیرند. این فرصتها نیازمند برنامه ریزی میان مدت و هماهنگی بین نهادی هستند. در چارچوب نظریه حکمروایی چندسطحی که موراندل^۱، ویکی و کافمن آن را برای شهرهای میانی اروپایی بسط داده اند، هماهنگی میان سطوح مختلف حکمروایی و بازیگران محلی، ناحیه ای و ملی شرط اساسی بهره برداری از چنین فرصتهایی است. این محققان در مطالعه تطبیقی ۱۱۹ شهر میانی نشان دادند که همکاری نهادی شده قویترین پیش بینی کننده لحاظ کردن پیوندهای شهر و روستا در برنامه ریزی فضایی است.

تنها فرصت ضعیف، کانالهای اطلاع رسانی داوطلبانه برای هماهنگی در بحرانها با میانگین ۲/۸۰ است که نشان میدهد شبکه ارتباطی داوطلبانه در شرایط اضطراری ضعیف بوده و باید با آموزش تقویت شود.

جدول ۴. شاخص های فرصت مشارکت پذیری

کد	نام شاخص	میانگین
O1	مشارکت ساکنان حومه در نگهداری و پاکسازی کمربندی سبز	3.20
O2	برگزاری مسابقات نقاشی و طراحی برای شهروندان با موضوع زیباسازی ورودی ها	3.09
O3	مکانیابی و انتقال برخی از کاربری های مزاحم به پیرامون شهر	3.20
O4	تشکیل شورای خطوط و استقرار پایانه های حمل و نقل بین شهری	3.20
O5	ایجاد کمربندی های مناسب برای کاهش تصادفات و جلوگیری از ورود ماشین های سنگین به شهر	3.18
O6	ایجاد روشنایی مناسب در ورودی و خروجی های شهر	3.27
O7	ایجاد سامانه گزارش دهی مردمی برای کمبود علائم جاده ای و خرابی آسفالت جاده های برون شهری	3.30

3.43	برگزاری رویدادهای همکاری آفرینی (شهروندان + روستاییان) برای راهاندازی تعاونیهای ناحیه ای	08
3.36	امکان ایجاد ارتباط زنجیره ای بین صنایع شهری و نواحی صنعتی در مناطق روستایی	09
3.34	ایجاد بازارچههای خودجوش هفتگی با مدیریت مشترک شهر و دهیاریها	010
3.30	همفکری محلی برای تنوعبخشیدن به محصولات کشاورزی حومه (کارگروههای تخصصی)	011
3.36	ایجاد مراکز صنعتی متناسب با تولیدات مناطق حومه و بهره گیری از معادن در محدوده شهرستان	012
3.48	جلسات شفافیت مالی شهرداری و دهیاریها با حضور نمایندگان مردم شهر و حومه	013
3.43	دسترسی شهروندان به خدمات بین راهی (رستوران، پمپ بنزین، مساجد)	014
3.07	تشکیل صندوق اعتبارات خرد محلی با مشارکت داوطلبانه شهروندان و روستاییان برای پروژههای کوچک حومه	015
3.07	ایجاد تعاونی پس انداز فراشهري (عضویت آزاد، تصمیم گیری جمعی برای وام دهی)	016
3.05	نظرسنجی آنلاین مشترک از مردم شهر و حومه برای اولویت بندی طرحهای فراشهري	017
2.80	کانالهای اطلاع رسانی داوطلبانه برای هماهنگی در بحرانها	018
3.50	برگزاری جشنواره سالانه همسایگی بین محلههای شهر و سکونتگاه ها اطراف (با غرفههای مشارکتی)	019
3.52	ایجاد لیگ و مسابقات ورزشی محلی مشترک شهر و حومه	020
3.57	بانک اطلاعات داوطلبان فراشهري برای امداد و کمکهای همگانی	021
3.68	همیاران مدرسه سازی در روستاهای محروم حومه با کمک شهروندان	022
3.52	همکاری در حفظ و نگهداری و احیا مراتع و پوشش گیاهی مجموعه شهری	023
3.59	گروههای پاکسازی طبیعت (کوه، رودخانه) در شهر و حومه	024
3.16	تشکیل شورای امنیت غذایی محلی با حضور کشاورزان حومه و مصرف کنندگان شهری (برنامه ریزی کشت)	025
3.43	طراحی باغهای مشارکتی با هدف ایجاد کمربند سبز شهری	026
3.48	همکاری در رساهت مراکز ورزشی، تفریحی و پذیرایی در حومه شهر	027
3.48	کارگاههای نقشه ذهنی مشترک (کودکان و بزرگسالان برای ترسیم هویت منطقه)	028
3.36	تعامل دو جانبه خبرگان و دانش آموختگان شهر و حومه با هدف هم افزایی و خرد جمعی	029
3.48	برگزاری دورههای شهروندی و مشارکت در بخشداریها با حضور اساتید و خبرگان	030
3.43	تشکیل کارگروه بهیار سلامت جهت سرویس دهی به مناطق کم برخوردار پیرامونی	031
3.55	امکان حضور پر رنگ نیروهای امنیتی و حفاظتی در مجموعه های شهری	032
3.64	برگزاری همایش سالانه همیاری با حضور دهیاران و سرای محلههای (تبادل تجربه)	033
3.25	ایجاد شورای مشترک شهر و حومه با نمایندگان منتخب مردم	034
3.18	برگزاری مجامع عمومی نظارت بر بودجه فراشهري با حضور دیده بانان مردمی	035
3.23	صندوق پیشنهادات در بخشداریها و شهرداری مرکزی برای ایده های مشارکتی	036



شکل ۳. نمودار عنکبوتی میانگین فرصت، شاخص‌ها و محله‌ها

۳-۳-۵- تحلیل نقاط تهدید: بر اساس نظریه حق به شهر هانری لوفور^۱ و دیوید هاروی^۲ که بر دسترسی برابر به منابع شهری و قدرت مشارکت در تولید فضا تأکید دارد و نیز نقد اقتصاد رانتی که قاسمی^۳ آن را مانع اصلی شفافیت و پاسخگویی در نظام مدیریت شهری ایران میداند، تهدیدها عمدتاً در سه حوزه آب و محیط زیست، پسماند و آلودگی و اقتصاد وابسته متمرکز هستند. لوفور در کتاب حق به شهر بیان می‌کند که بیگانگی ساکنان شهری از فرایندهای تصمیم‌گیری و بی توجهی به نیازهای زیستی آنها، مهمترین تهدید برای تحقق شهر عادلانه است. تهدیدهای بروجن به دو دسته متوسط با میانگین بین ۳ تا ۳/۵ و خفیف با میانگین کمتر از ۳ تقسیم می‌شوند. خوشبختانه هیچ تهدید شدید یا بحرانی وجود ندارد.

هشت تهدید شامل رشد ساخت و سازهای غیرمجاز در حریم شهر با میانگین ۳/۰۰، ورود فاضلاب به اراضی کشاورزی پیرامونی با میانگین ۳/۳۰، کمبود زیرساختها و مهاجرت بی رویه به شهر با میانگین ۰۵/۳، آلودگیهای بهداشتی و بویایی دفن و دپوی غیراصولی زباله در حومه با میانگین ۳/۵۰، سوزاندن زباله در مزارع حومه با میانگین ۳/۰۰، عدم اجرای سیاستهای آبخیزداری با میانگین ۳/۷۰،

^۱Lefebvre

^۲Harvey

^۳Ghasemi

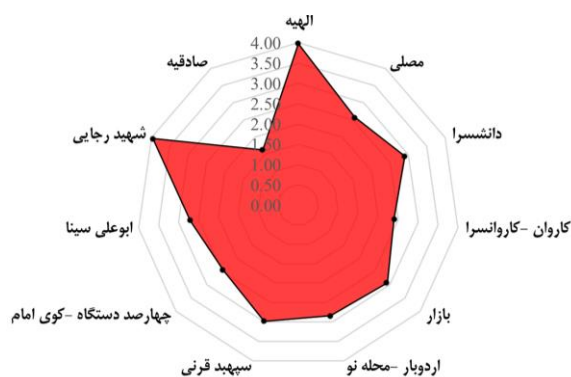
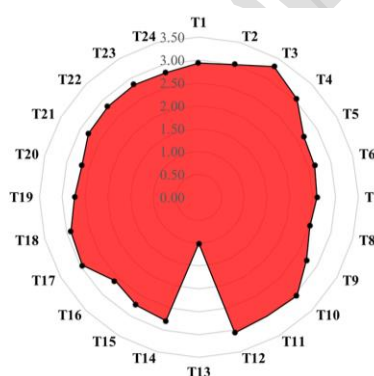
برداشت بی رویه و غیرمجاز از سفره های آب زیرزمینی با میانگین ۳/۰۰ و وابستگی شدید به واردات کالا از سایر استانها با میانگین ۲/۹۵ در دسته تهدیدهای متوسط قرار دارند و نیازمند اقدام پیش گیرانه فوری هستند. کاتائو و همکاران در مطالعه جهانی خود درباره شهرمنطقه های چندلایه نشان میدهند که شهرهای میانی به دلیل نقش واسطه ای خود در زنجیره های ارزش کشاورزی و تأمین خدمات، در برابر تهدیدهایی مانند خشکسالی، آلودگی فراشهری و مهاجرت نخبگان به کلانشهرها بسیار آسیب پذیرند. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد نیز در گزارش خود شهرهای میانی را پیوندگاههای حیاتی معرفی میکند که بی توجهی به پایداری زیست محیطی آنها، امنیت غذایی نواحی پیرامون را با مخاطره مواجه می سازد. بررسی پراکندگی این تهدیدها نشان میدهد که محله های چهارصد دستگاه، صادقیه و کاروانسرا بیشترین آسیب پذیری را در برابر تهدیدهای مربوط به فاضلاب، دفن زباله، سوزاندن زباله و برداشت آب دارند، در حالی که محله های الهیه و ابوعلی سینا کمترین امتیاز تهدید را نشان میدهند.

شانزده تهدید دیگر با میانگین های بین ۲/۵۲ تا ۲/۹۳ عمدتاً ناظر بر آلودگی صوتی، تخریب مراتع و مهاجرت نخبگان هستند و در دسته تهدیدهای خفیف قرار میگیرند. از منظر نظریه سرمایه انسانی سرزمینی که درآو^۱ در مطالعه شهرهای آنژه و رنس فرانسه بسط داده است، مهاجرت نخبگان و نیروی کار ماهر از شهرهای میانی به کلانشهرها، مهمترین تهدید برای ظرفیت نوآورانه و توسعه پایدار این شهرها به شمار می رود. درآو نشان می دهد که سازمان یابی سرمایه انسانی، بیش از اندازه جمعیت، ظرفیت نوآورانه شهرهای میانی را تعیین میکند. انباشت این تهدیدها در محله های حاشیه ای میتواند به بحرانهای تدریجی منجر شود.

جدول ۵. شاخص های تهدید مشارکت پذیری

کد	سوال (شهروندان)	میانگین
T1	تخریب یا تغییر کاربری بافت های تاریخی ارزشمند در مجموعه شهری	2.93
T2	رشد ساخت وسازهای غیرمجاز در حریم شهر و مخدوش کردن منظر تاریخی مجموعه شهری	3.00
T3	ورود فاضلاب به اراضی کشاورزی پیرامونی	3.30
T4	کمبود زیر ساخت ها در مجموعه شهری و مهاجرت بی رویه به شهر	3.05

2.66	انتقال آلودگی های صنایع حومه و اتوموبیل به داخل شهر به دلیل وزش باد	T5
2.64	آلودگی صوتی ناشی از تردد کامیون های سنگین در جاده های کمربندی	T6
2.59	امکان آلوده شدن منابع آب شهری در حومه	T7
2.52	تخریب مراتع برای ساخت و ساز های غیر مجاز در حومه	T8
2.73	خشک شدن باغات حومه به دلیل افت سطح آب زیرزمینی در اثر چاه های غیرمجاز استان	T9
3.05	آلودگی های بهداشتی و بویایی دفن و دپو غیر اصولی زباله در حومه	T10
3.00	سوزاندن زباله در مزارع حومه توسط کشاورزان (آلودگی و خطر آتش سوزی)	T11
3.07	عدم اجرا سیاست های آبخیزداری به منظور تقویت منابع آب شهری	T12
1.00	برداشت بی رویه و غیر مجاز از سفره های آب زیر زمینی در مزارع	T13
2.80	کاهش پوشش گیاهی و دستکاری سطح زمین و امکان وقوع سیلاب	T14
2.73	امکان توقف و رکود تولید در صنایع حومه به دلیل استفاده بی رویه از انرژی در مجموعه شهری	T15
2.59	نبود ایستگاه های شارژ خودروهای برقی در جاده های بین شهری	T16
2.95	وابستگی شدید به واردات کالا از سایر استان ها و سکونتگاه های مجاور	T17
2.91	مهاجرت سرمایه و نیروی کار ماهر از حومه به شهرهای بزرگ تر به دلیل نبود زیرساخت در مجموعه شهری	T18
2.73	دفاعه مجموعه های شهری و افزایش مهاجرت و حاشیه نشینی شهری	T19
2.66	نبود زیرساخت های مجموعه شهری و افزایش مراجعات اداری به شهر	T20
2.80	افزایش نارضایتی مردم حومه از خدمات اداری به دلیل نبود اتوماسیون پیشرفته	T21
2.82	مهاجرت نخبگان و مدیران کارآمد به شهر های بزرگ اطراف به دلیل نبود فرصت های رشد در منطقه	T22
2.84	عدم همکاری و همفکری مسئولان با شهروندان سکونتگاه های پیرامونی	T23
2.82	انباشت و افزایش نارضایتی مردم حومه	T24



شکل ۳. نمودار عنکبوتی میانگین تهدید، شاخص ها و محله ها

۵-۴. جمع‌بندی یافته‌های تحلیل عاملی و سوات:

تحلیل سوات آشکار ساخت که شهر بروجن از سه قوت قوی شامل تعاملات اجتماعی، مشارکت داوطلبانه و حس مکان و شش فرصت قوی شامل همیاری، بانک داوطلبان فراشه‌ری، جشنواره‌های همسایگی، حفظ مراتع، پاکسازی طبیعت و همایش سالانه همیاری برخوردار است. این قوتها و فرصتها مستقیماً با مفاهیم سرمایه اجتماعی پاتنام، حق به شهر هاروی و نظریه تولید مشترک اوستروم پیوند دارند. با این حال، شهر با پنج ضعف متوسط شامل کمبود زیرساخت، مدیریت نامناسب زباله، بحران آب شرب، تضعیف اقتصاد محلی و عدم پاسخگویی مسئولان و هشت تهدید متوسط شامل ورود فاضلاب به اراضی کشاورزی، دفن غیراصولی زباله، سوزاندن مزارع، برداشت بی‌رویه آب، ساخت وسازه‌های غیرمجاز، مهاجرت به شهر، عدم اجرای آب‌خیزداری و وابستگی به واردات مواجه است. این ضعفها و تهدیدها با نقدهای قاسمی بر نظام اداری متمرکز ایران و نظریه های بولای و کرن، موراندل و کاتائو درباره آسیب پذیری شهرهای میانی همخوانی کامل دارد. نمودارهای پراکندگی نیز نشان میدهند که محله های الهیه، ابوعلی سینا و شهید رجایی در وضعیت بهتری قرار دارند و محله های صادقیه، دانشسرا و چهارصد دستگاه نیازمند مداخلات فوری هستند

۶. نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با هدف سنجش مشارکت‌پذیری محله‌های شهر بروجن و ارائه راهکارهای عملیاتی برای افزایش آن انجام شد. تحلیل سوات نشان داد شهر بروجن از سه قوت قوی شامل تعاملات اجتماعی، مشارکت داوطلبانه و حس مکان و شش فرصت قوی شامل جشنواره همسایگی، بانک اطلاعات داوطلبان فراشه‌ری، همیاران مدرسه سازی، حفظ مراتع، پاکسازی طبیعت و همایش سالانه همیاری برخوردار است، اما با پنج ضعف متوسط شامل کمبود زیرساخت، مدیریت نامناسب زباله، بحران آب شرب، تضعیف اقتصاد محلی و عدم پاسخگویی مسئولان و هشت تهدید متوسط شامل ساخت وسازه‌های غیرمجاز، ورود فاضلاب به اراضی کشاورزی، مهاجرت به شهر، دفن غیراصولی زباله، سوزاندن زباله در مزارع، عدم اجرای آب‌خیزداری، برداشت بی‌رویه آب و وابستگی به واردات مواجه است. این یافته‌ها با مبانی نظری مشارکت‌پذیری از جمله نردبان مشارکت آرنشتاین، تولید مشترک اوستروم، سرمایه اجتماعی پاتنام و حق به شهر هاروی و همچنین با نظریه های شهرهای میانی بولای و کرن، کاتائو و همکاران و موراندل، ویکی و کافمن همسویی کامل دارد.

از نظر پراکندگی فضایی، محله های الهیه، ابوعلی سینا و شهید رجایی در وضعیت پیشرو و الگو، محله های مصلی، بازار، اردوبار، کاروانسرا و سپهبد قرنی در وضعیت میانی و محله های صادقیه، دانشسرا و چهارصد دستگاه در وضعیت بحرانی قرار دارند.

۱-۶- اعتبارسنجی یافته ها با پیشینه پژوهش: یافته های این پژوهش با نتایج مطالعات پیشین همسویی قابل توجهی دارد. تأکید بر شفافیت، ارتباطات دوجانبه و پذیرش نقش مدنی به عنوان الزامات گذار به حکمروایی مشارکتی، با نتایج علاءالدینی و حیدری قره‌بلاغ در مطالعه بودجه ریزی مشارکتی در شهرداری تهران همخوان است. همچنین نقش ساختار سلسله مراتبی، اقتصاد رانتی و نگاه امنیتی به عنوان موانع اصلی تفویض اختیار به نهادهای محلی، همان چیزی است که قاسمی در نقد نظام اداری ایران مطرح کرده است. تأکید بر توزیع فضایی نابرابر ظرفیتهای مشارکتی در محله‌های بروجن، یافته‌های است که با مدل یکپارچه مائو و همکاران در شهر پکن که تناقض مقیاس را از طریق تحلیل توزیع فضایی ظرفیتهای مشارکتی در سطح محله‌ها حل کرده اند، همخوانی دارد. در سطح بومی، پژوهش محمودیان و همکاران که توسعه بروجن را در گرو بهره‌گیری از اکوتوریسم و دانش بومی دانستند، با فرصتهای قوی حفظ مراتع، پاکسازی طبیعت و باغهای مشارکتی در این پژوهش هماهنگ است. بر خلاف مطالعات پیشین که یا بر کلانشهرهای توسعه یافته متمرکز بودند مانند پژوهشهای رسول زاده اقدم و همکاران و کول و همکاران و یا به نقدهای انتزاعی بسنده کردند مانند کار قاسمی، پژوهش حاضر برای نخستین بار در یک شهر میانی ایران، الگویی مکانمند و عملیاتی ارائه کرده و شکاف پژوهشی موجود را پر میکند.

۲-۶- اولویت‌بندی راهبردها با ماتریس کیواس پی‌ام: با استفاده از روش برنامه‌ریزی استراتژیک کمی و وزندهی بر اساس میانگین عوامل، ۸ استراتژی نامزد اولویت‌بندی شدند. جدول ۱ نتایج نهایی را نشان می‌دهد.

جدول ۶. اولویت اجرایی استراتژی‌ها بر اساس مجموع تی‌ای‌اس

نوع	مجموع TAS	نام کوتاه	کد استراتژی	رتبه
فرصت-محور (تهاجمی)	۴/۰۰	بانک اطلاعات داوطلبان فراشه‌ری	OS21	۱
قوت-محور (تهاجمی)	۳/۸۳	بانک مهارت‌های داوطلبانه	SS15	۲

جدول ۶. اولویت اجرایی استراتژی‌ها بر اساس مجموع تی‌ای‌اس

رتبه	کد استراتژی	نام کوتاه	مجموع TAS	نوع
۳	OS22	همیاران مدرسه‌سازی	۳/۵۷	فرصت-محور (تهاجمی)
۴	SS14	مجمع همسایگان	۳/۴۹	قوت-محور (تهاجمی)
۵	OS33	همایش سالانه همیاری	۳/۳۴	فرصت-محور
۶	OS19	جشنواره همسایگی	۲/۹۲	فرصت-محور
۷	WS2	رفع کمبود زیرساخت	۱/۲۳	ضعف-محور (بازنگری)
۸	TS3	پیمان حفاظت از زمین	۱/۰۰	تهدید-محور (تدافعی)

بالاترین اولویت به OS21 (بانک اطلاعات داوطلبان فراشه‌ری) تعلق دارد که با میانگین فرصت ۴/۰۰ و اثرگذاری روی قوی‌ترین قوت (S15 با میانگین ۳/۸۳) بهترین بازده را دارد. استراتژی‌های رفع ضعف و کاهش تهدید (WS2، TS3) هرچند ضروری هستند، به دلیل تأثیر غیرمستقیم بر مشارکت، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

۶-۲. راهبردهای پیشنهادی برای هر عامل: پس از استخراج چهار عامل اصلی از تحلیل عاملی (حکمرانی و اعتماد شهری، اقتصاد محلی و رفاه، سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی، پایداری محیط‌زیست و زیست‌پذیری) و نیز اولویت‌بندی استراتژی‌ها با استفاده از ماتریس کیواس‌پی‌ام (جدول ۶)، برای هر عامل، بسته‌ای از راهبردهای عملیاتی متناسب با ماهیت آن و برگرفته از نتایج ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی تدوین شده است. به عبارت دیگر، راهبردهای زیر نه توصیه‌های کلی، بلکه خروجی مستقیم فرآیند وزن‌دهی و اولویت‌بندی کیواس‌پی‌ام و نیز مبتنی بر کدهای استراتژی‌های اولویت‌دار (مانند OS21، OS15، SS14، OS22، OS33، OS19، WS2 و TS3) هستند.

- عامل ۱ (حکمرانی و اعتماد شهری): با توجه به وزن بالای شاخص‌های شفافیت و پاسخگویی در تحلیل عاملی و نیز اولویت بالای استراتژی‌های مرتبط با نهادسازی (مانند

OS21 و SS14)، راهبرد اصلی تقویت شفافیت، قانون‌مندی، پاسخگویی و مقابله با فساد است. اقدامات پیشنهادی: استقرار سامانه‌های نظارت همگانی، برگزاری جلسات پاسخگویی عمومی ماهانه، انتخابات واقعی شورایی، تدوین منشور مشارکت محله‌ای.

- عامل ۲ (اقتصاد محلی و رفاه): بر اساس بار عاملی بالای متغیرهای سرمایه‌گذاری و درآمد در عامل دوم و نیز استراتژی‌های فرصت‌محور مانند OS21 و OS22 که بر توانمندسازی اقتصادی تأکید دارند، راهبرد اصلی افزایش سرمایه‌گذاری، تنوع اقتصادی و بهبود دسترسی به خدمات است. اقدامات پیشنهادی: حمایت از کسب‌وکارهای محلی، راه‌اندازی تعاونی‌های محلی، ایجاد صندوق‌های اعتبارات خرد، طرح‌های پس‌انداز محله‌ای.
- عامل ۳ (سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی): با توجه به بالاترین بار عاملی متغیرهای «مشارکت داوطلبانه» و «تعاملات اجتماعی» در این عامل و نیز اولویت بالای استراتژی‌های SS15 (بانک مهارت‌های داوطلبانه) و SS14 (مجمع همسایگان) در ماتریس کیواس‌پی‌ام، راهبرد اصلی افزایش تعاملات اجتماعی و داوطلبی است. اقدامات پیشنهادی: تشکیل مجمع همسایگان، ایجاد بانک مهارت‌های داوطلبانه، راه‌اندازی شبکه اجتماعی محله‌ای، برگزاری جشنواره همسایگی (OS19) و همایش همیاری (OS33).
- عامل ۴ (پایداری محیط‌زیست و زیست‌پذیری): با توجه به بار عاملی بالای متغیرهای آب، فضای سبز و آلودگی در این عامل و نیز ضرورت پرداختن به تهدیدهای زیست‌محیطی (مانند TS3)، راهبرد اصلی بهبود کیفیت محیط‌زیست و مدیریت منابع طبیعی است. اقدامات پیشنهادی: طرح تفکیک از مبدأ با انگیزه جمعی، کارگروه آب پایدار محله، طراحی باغ‌های مشارکتی، پویش‌های پاکسازی طبیعت.

۶-۳. پیشنهادهای زمانی (افق اجرا): اجرای استراتژی‌ها در سه افق زمانی زیر پیشنهاد می‌شود:

جدول ۷. دسته‌بندی زمانی استراتژی‌ها

افق زمانی	استراتژی‌های اصلی
ضربتی و کوتاه‌مدت	OS21, SS15, OS22, SS14
میان‌مدت	OS33, OS19, WS2, TS3

استراتژی‌های اصلی	افق زمانی
OS21-SS14	بلندمدت

۶-۴. پیشنهادهای مکانی (اولویت محله محور): بر اساس میانگین امتیازات کسب‌شده از پرسشنامه‌های شهروندان (مقیاس ۱ تا ۵) در هر یک از ابعاد پنج‌گانه (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی و حکمروایی)، ابتدا امتیاز هر محله در هر بعد به طور مجزا محاسبه شد. سپس با محاسبه میانگین ساده امتیازات پنج بعد برای هر محله، محدوده امتیازی ۱ تا ۵ به سه بازه تقسیم گردید: محلات با میانگین بالاتر از ۳/۳۲ به عنوان «مشارکت‌پذیری بالا»، محلات با میانگین بین ۱/۶۶ تا ۳/۳۲ به عنوان «مشارکت‌پذیری متوسط» و محلات با میانگین کمتر از ۱/۶۶ به عنوان «مشارکت‌پذیری پایین» طبقه‌بندی شدند. بر اساس این طبقه‌بندی، اجرای استراتژی‌ها به صورت مکان‌مند و مرحله‌ای انجام شده است. جدول ۸ خلاصه اولویت مکانی ۸ استراتژی برتر را نشان می‌دهد.

جدول ۸. اولویت مکانی استراتژی‌ها در محله‌ها بروجن

توصیه کلی	TS3	WS2	OS19	OS33	SS14	OS22	SS15	OS21	محله
بیشرو - پایلوت	سوم	سوم	اول	اول	اول	دوم	اول	اول	الهیه
نیمه‌بیشرو	سوم	سوم	دوم	اول	دوم	دوم	اول	اول	ابوعلی سینا
نیمه‌بیشرو	سوم	سوم	دوم	اول	دوم	دوم	اول	اول	شهید رجایی
میانی - مجمع همسایگان	دوم	دوم	دوم	دوم	اول	سوم	دوم	دوم	مصلی
میانی - جشنواره	سوم	دوم	اول	دوم	اول	سوم	دوم	دوم	بازار
میانی - مجمع و	دوم	دوم	اول	دوم	اول	سوم	دوم	دوم	اردوبار

توصیه کلی	TS3	WS2	OS19	OS33	SS14	OS22	SS15	OS21	محلّه
جشنواره	اول	اول	سوم	دوم	دوم	دوم	دوم	دوم	
میانمی - نیاز فوری زیرساخت	اول	اول	سوم	دوم	دوم	دوم	دوم	دوم	کاروانسرا
میانمی - نیاز به تحرّیک	دوم	دوم	سوم	دوم	دوم	دوم	دوم	دوم	سپهد قرنی
بحرانی زیست محیطی	اول	اول	سوم	دوم	دوم	اول	اول	دوم	چهارصد دستگاه
بحرانی اقتصادی	اول	اول	سوم	سوم	سوم	اول	سوم	سوم	دانشسرا
بحرانی همه جانبه	اول	اول	سوم	سوم	سوم	اول	سوم	سوم	صادقیه

راهنما: رنگ قرمز (اولویت اول) - رنگ آبی (اولویت دوم) - رنگ سبز (اولویت سوم)

توصیه تفکیک شده:

- محلات با مشارکت پذیری بالا با امتیاز بالاتر از ۳/۳۲ شامل الهیه، ابوعلی سینا، شهید رجایی: تمرکز فوری بر OS21, SS15, SS14 به عنوان پایلوت.
- محلات با مشارکت پذیری متوسط با امتیاز ۱/۶۶ تا ۳/۳۲ شامل سایر محلات: ابتدا OS21 و SS15 در سطح متوسط، سپس OS19 و OS33 به منظور همبستگی اجتماعی.
- محلات با مشارکت پذیری پایین با امتیاز کمتر از ۱/۶۶ شامل صادقیه، دانشسرا، چهارصد دستگاه: اولویت فوری با OS22, WS2, TS3؛ پس از بهبود نسبی، استراتژی های مشارکتی اجتماعی وارد شوند.

این پژوهش نشان داد که مسیر افزایش مشارکت پذیری در محله های بروجن از «تقویت سرمایه اجتماعی و داوطلبی» می گذرد و نه صرفاً از «رفع کالبدی و زیرساختی». سرمایه گذاری بر روی مردم، با مردم و برای مردم مؤثرترین راهبرد توسعه پایدار شهری در بروجن خواهد بود. توصیه می شود شهرداری بروجن و شورای اسلامی شهر، کارگروه تخصصی مشارکت های مردمی را با حضور

نمایندگان محله‌ها تشکیل داده و اجرای چهار استراتژی اول (OS21, SS15, OS22, SS14) را در افق زمانی یک‌ساله در دستور کار فوری قرار دهد. به این ترتیب، ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالای اجتماعی شهر، می‌توان گام‌های مؤثری در جهت تحقق حکمروایی خوب، توسعه اقتصادی محلی، انسجام اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی برداشت.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش کد اخلاق را به شماره از کمیته اخلاق دانشکده/دانشگاه دریافت کرده است.

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

مقاله حاضر با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه انجام شد.

حمایت مالی از این پژوهش از طرف دانشگاه، دانشکده در قالب پژوهانه پایان‌نامه دانشجویی نویسنده اول و همچنین پژوهانه برای سایر نویسندگان انجام شده است.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

۱. زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۶). اندازه شهر. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران. ISBN 964-95059-3-8.
۲. سرایی، محمدحسین و اسکندری ثانی، محمد. (۱۳۸۶). تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر. مجله جغرافیا و توسعه، ۵(۱۰)، ۱۶۵-۱۸۲. doi: <https://doi.org/10.22111/gdij.2007.3665>
3. Alaeddini, A., & Heidari Gharehbolagh, H. (2026). Requirements for implementing participatory governance in urban management; Analysis of the participatory budgeting experience in Tehran Municipality. *Urban Development Policy Making*, 3(1), 95-111. <https://doi.org/10.22034/judpm.2025.536365.1057>
4. Alkan, N., & Kahraman, C. (2025). Prioritization of human-centric and sustainable city criteria by proportional spherical fuzzy analytic hierarchy process. *Symmetry*, 17(2), 204. <https://doi.org/10.3390/sym17020204>
5. Anderson, K. M., McCormick, M. L., Morgan, K. Y., Gibson, M., Harper, A., Clark, M., & Christens, B. D. (2024). Youth participatory action research for equitable urban design. *Journal of Participatory Research Methods*, 5(2). <https://doi.org/10.35844/001c.120406>
6. Arnstein, S. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(4), 216-224. <https://doi.org/10.1080/01944366908977225>
7. Bolay, J.-C., & Kern, A.-L. (2019). Intermediate cities: Urban poles serving their region. In *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies*. Wiley.
8. Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258). Greenwood.
9. Bragaglia, F., Janin Rivolin, U., Berisha, E., & Cotella, G. (2024). How is urban co-production conveyed in European cities? *European Planning Studies*, 32(7), 1613-1631. <https://doi.org/10.1080/09654313.2024.2339933>
10. Castro Seixas, E. (2021). Urban (digital) play and right to the city: A critical perspective. *Frontiers in Psychology*, 12, 636111. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.636111>
11. Cattaneo, A., et al. (2024). Worldwide delineation of multi-tier city-regions. *Nature Cities*.
12. Claridge, T. (2004). *Designing social capital sensitive participation methodologies*. Social Capital Research.
13. Cole, A., Stivas, D., Tran, E., & Lai, C. M. T. (2025). Voices of the city: Understanding Hong Kong residents' views on smart city transformation. *Urban Science*, 9(10), 406. <https://doi.org/10.3390/urbansci9100406>

14. Deraëve, S. (2014). Mobilizing human capital and embedding innovation in intermediate cities: Insights from Reims and Angers, France (*Doctoral dissertation, Université de Reims Champagne-Ardenne*).
15. European Parliament. (2023). Social approach to the transition to smart cities. *Panel for the Future of Science and Technology (STOA)*.
16. Fainstein, S. S. (2011). *The just city*. Cornell University Press.
17. FAO (Food and Agriculture Organization of the United Nations). (2024). *New global study unveils city-region networks, highlights role of intermediate cities*.
18. Geography Realm. (2025). *Explore the city-regions dataset from FAO*.
19. Ghasemi, A. (2024). State decentralization and good urban governance in Iran. *State Studies*, 10(38), 121-162. <https://doi.org/10.22054/tssq.2024.81406.1553>
20. Habermas, J. (1996). *Between facts and norms: Contributions to a discourse theory of law and democracy*. MIT Press.
21. Harvey, D. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. Verso.
22. Hoffman, J. (2022). Toward civic co-production: Using worldbuilding to go beyond participation in urban planning and enact more equitable cities. *Frontiers in Sustainable Cities*, 4, 907541. <https://doi.org/10.3389/frsc.2022.907541>
23. Hofer, K. (2024). Towards a more nuanced understanding of public participation in urban development (*Doctoral thesis, ETH Zurich*). <https://doi.org/10.3929/ethz-b-000709218>
24. IFMST (International Federation of Municipalities Sports and Tourism). (2025). *Urban governance and citizen participation*.
25. Jieutsa, L. (2026). The status quo: Urban AI and the deepening of technocentrism in urban management. *Controversies of AI Society*. <https://doi.org/10.54337/aaui.add.scai-11426>
26. Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575.
27. Lee, D., Feiertag, P., & Unger, L. (2024). Co-production in the urban setting: Fostering definitional and conceptual clarity through comparative research. **Urban Planning**, 9.
28. Lefebvre, H. (1968). *Le droit à la ville*. Anthropos.
29. Lydon, M., & Garcia, A. (2015). A tactical urbanism how-to. In *Tactical urbanism: Short-term action for long-term change* (pp. 171-208). Island Press. https://doi.org/10.5822/978-1-61091-567-0_5
30. Macaluso, A., Flickenschild, M., Gasparotti, A., Wedman, H., & Panagiotidou, Z. (2023). *Social approach to the transition to smart cities*. European Parliamentary Research Service (EPRS). <https://doi.org/10.2861/564184>
31. MacFarlane, C. (2006). Knowledge, learning and development: A post-rationalist approach. *Progress in Development Studies*, 6, 287-305.

32. Mahmoudiyan, M., Almodaresi, S. A., & Akbari, R. (2015). Codifying strategy of tourism planning for regional development a case study of Borujen city. *Singaporean Journal of Business Economics and Management*, 4(3), 10-19.
33. Mao, Y., Fan, J., Lin, Q., & Ren, X. (2026). From micro-scale data to macro-scale governance: A multi-dimensional framework for the sustainable community human settlement environment. *Innovation and Development Policy*, 8, 42-64. <https://doi.org/10.20046/j.cnki.2096-5141.2026.0003>
34. Morandell, T. (2025). Urban-rural relations in spatial planning: A comparative analysis across European intermediate cities (*Doctoral project*). *ETH Zurich*.
35. Morandell, T., Wicki, M., & Kaufmann, D. (2025). Between fragmentation and integration: exploring urban-rural coordination in the planning of medium-sized European cities. *Taylor & Francis Online*.
36. Mushkani, R., Berard, H., Cohen, A., & Koseki, S. (2025). Position: The right to AI. *ICML 2026*.
37. Neuhooff, R., Simeone, L., & Holst Laursen, L. (2023). Forms of participatory futuring for urban sustainability: A systematic review. *Futures*, 154, 103268. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2023.103268>
38. Nunnally, J. C., & Bernstein, I. H. (1994). *Psychometric theory* (3rd ed.). McGraw-Hill.
39. Nurlinah, N., Ansar, M. C., & Chowdhury, K. (2025). Impact of government digital transformation on citizen trust and participation: Evidence from Gowa Regency, Indonesia. *Frontiers in Human Dynamics*, 7, 1700582. <https://doi.org/10.3389/fhumd.2025.1700582>
40. OECD. (2025). *OECD Regional Outlook 2025*. *OECD Publishing*
41. Ostrom, E. (1996). Crossing the great divide: Coproduction, synergy, and development. *World Development*, 24(6), 1073-1087. [https://doi.org/10.1016/0305-750x\(96\)00023-x](https://doi.org/10.1016/0305-750x(96)00023-x)
42. Putnam, R. D. (2020). Bowling alone: The collapse and revival of American community. *Simon & Schuster*.
43. Rasoulzadeh Aghdam, S., Bababeimorad, B., Ghasemzadeh, B., Irani, M., & Huovila, A. (2025). Social smart city research: Interconnections between participatory governance, data privacy, artificial intelligence and ethical sustainable development. *Frontiers in Sustainable Cities*, 6, 1514040. <https://doi.org/10.3389/frsc.2024.1514040>
44. Singleton Council. (2024). *'Intermediate' cities workshop report 2024*.
45. Sulaiman, M. N., Subriadi, A. P., & Muqtadiroh, F. A. (2026). The role of e-participation in building public trust and readiness for e-voting: A systematic review. *Journal ISI*, 8(1). <https://doi.org/10.63158/journalisi.v8i1.1433>

Developing Effective Strategies for Achieving a Participatory City in Iranian Intermediate Cities: A Case Study of Borujen

1. Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran. Email: ar.taghvaei@ui.ac.ir

<https://orcid.org/0009-0009-6265-074X>

2. Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Geography and Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.taghvaei.geo@ui.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-4586-5972>

Abstract:

Intermediate cities, despite their key role in spatial balance and regional development, face structural and social challenges in realizing participation. Solving these challenges requires strategies that the present study seeks to develop through a case study of Borujen to achieve a participatory city. The research method is descriptive- analytical and survey- based. Data were collected using a researcher- made questionnaire with 42 items and random sampling from 395 citizens (sample size determined by Cochran's formula) across 11 neighborhoods. Content validity was confirmed using CVR and CVI indices, and reliability was established with Cronbach's alpha (0.88). Data analysis employed exploratory factor analysis (EFA), SWOT matrix, and quantitative strategic planning matrix (QSPM). Factor analysis revealed four factors – "urban governance and trust", "local economy and welfare", "social capital and civic participation", and "environmental sustainability and livability", which together explain 91.1% of the participability variance. SWOT analysis showed that Borujen possesses three strong strengths (social interactions, voluntary participation, sense of place) and six strong opportunities, but faces five moderate weaknesses (infrastructure, waste, water, local economy, responsiveness) and eight moderate threats (including elite migration to metropolises, cross- boundary pollution, and drought), all of which directly affect the city's regional role. QSPM prioritization indicated that the "cross- urban volunteer information bank" strategy, with the highest score (4.11), offers the best payoff. Finally, time- based (short- term, medium- term, long- term) and place- based (distinguishing leading, intermediate, and critical neighborhoods) strategies are provided, focusing on Borujen's regional functions (providing services to peripheral areas, reducing migration, strengthening agricultural markets, and reducing pollution). This research, for the first time in an Iranian intermediate city, offers an operational model for increasing participability with a regional development approach.

Keywords: Participability, Intermediate Cities, Regional Development, Factor Analysis, Operational Strategies, Borujen City.

نسخه پیش انتشار